

«مروری بر رسالت بنیاد شهید در نظام اسلامی» نوشته: محمدحسن رحیمیان

۱۳۸۰

پیش به سوی نظام علوی در سایه سیره علوی

رحیمیان، محمدحسن، ۱۳۲۹

در حریم لاله ها: مروری بر رسالت بنیاد شهید در نظام اسلامی/ نوشته محمدحسن رحیمیان.
- تهران: بنیاد شهید انقلاب اسلامی، نشر شاهد، ۱۳۸۰.
۹۳ ص.

ISBN: 964 - 6489 -77- X ۳۵۰۰ ریال

فهرست نویسی بر اساس اصلاعات فیبا.
عنوان دیگر: رسالت بنیاد شهید در نظام اسلامی.
کتابنامه به صورت زیر نویس:

۱. بنیاد شهید انقلاب اسلامی. ۲. شهادت. ۳. شهیدان - بازماندگان، الف. بنیاد شهید انقلاب
اسلامی. نشر شاهد: ب. عنوان. ج. عنوان: مروری بر رسالت بنیاد شهید انقلاب اسلامی. د. عنوان:
رسالت بنیاد شهید انقلاب اسلامی.

۳ ر ۹۵ ب/ ۱۶۱۵ DRS ۹۵۵/۰۸۴۳۰۶

کتابخانه ملی ایران ۳۳۸۴ - ۸۰ م

محل نگهداری:

در حریم لاله ها

«مروری بر رسالت بنیاد شهید در نظام اسلامی»

نویسنده: محمدحسن رحیمیان

ناشر: نشر شاهد

شمارگان: ۳۵۰۰ نسخه

نوبت چاپ: دوم - ۱۳۸۰

قیمت: ۳۵۰۰ ریال

شابك: X - ۷۷ - ۶۴۸۹ - ۹۶۴ ISBN: 964 - 6489 -77- X

تلفن: ۷ - ۸۳۰۷۲۴۶

فهرست

مقدمه ... ۱

پیش گفتار ... ۳

بخش اول: رابطه دین و حکومت اسلامی با مردم

نگاهی به مبانی حکومت اسلامی ... ۷

خدا و انسان ... ۹

رهبران الهی و مردم ... ۱۱

نمونه رهبری الهی ... ۱۲

حکومت اسلامی و مردم ... ۱۶

بخش دوم: ارزش شهادت، شهید و خانواده شهید

شهادت، قله کمال ... ۱۹

مقام شهید ... ۲۰

وظیفه جامعه نسبت به شهید ... ۲۹

منزلت خانواده شهید ... ۳۰

بخش سوم: بنیاد شهید انقلاب اسلامی

جایگاه و نقش بنیاد شهید در نظام اسلامی ... ۳۳

اهم وظایف بنیاد شهید ... ۳۵

ساختار بنیاد شهید ... ۴۰

روحیه معنوی کارکنان ... ۴۲

قصد تقرب و عبادت در کار ... ۴۲

تقوا مبنای مسئولیت ... ۴۴

دانش کارکنان ... ۴۵

صرفه جویی در هزینه های سازمانی ... ۴۵

-۱-

نظارت و ارزشیابی ... ۴۸

بخش چهارم: سیاستها و راهبردها در ارائه خدمات

- چگونگی ارائه خدمات ... ۴۹
- حالت اول: مطلوب متعالی ... ۵۴
- حالت ۲: مطلوب ... ۵۷
- حالت ۳: مطلوب ... ۵۷
- حالت ۴: نامطلوب ... ۵۸
- تعریف مصادیق شهید ... ۶۰
- اعضای تحت پوشش ... ۶۲
- تعیین انواع خدمات و محدوده وظایف ... ۶۲
- قانونمندی و عدالت ... ۶۳
- توجه به خوداتکایی در ارائه خدمات ... ۶۵
- زندگی در متن جامعه ... ۶۷
- کتمان در ارائه خدمات معیشتی ... ۶۸
- گسترش و استمرار دیدار از خانواده ها ... ۷۰
- رعایت اولویت ها ... ۷۱

ضمائم

- فرمان حضرت امام خمینی(ره) برای تأسیس بنیاد شهید انقلاب اسلامی ... ۷۵
- فرمان حضرت امام خمینی(ره) برای رسیدگی به امور فرهنگی فرزندان شهید اهد ... ۷۸
- پیام حضرت امام خمینی (ره) به فرزندان شاهد ... ۸۰
- تأکید حضرت امام خمینی (ره) در مورد امور فرهنگی فرزندان شاهد ... ۸۴
- توصیه حضرت امام خمینی(ره) به مردم و علما برای دیدار از خانواده شهدا ... ۸۸
- پیام حضرت امام خمینی (ره) در تجلیل از شهدا و ایثارگران ... ۹۰
- فهرست منابع ... ۹۳

در حریم لاله ها پیشگفتار

مقدمه

جمهوری اسلامی ایران نظامی است که بر اساس اسلام و ارزشهای اسلامی بنا نهاده شده است و با توجه به تفاوت‌های اساسی بین جهان بینی اسلامی با جهان بینی مبتنی بر الحاد و مادیگرایی حاکم بر عمده نظام‌های موجود و همچنین تفاوت ناشی از این دو جهان بینی در قلمرو ارزش‌ها، تبیین مدیریت اسلامی مبتنی بر ارزشهای دینی و اثبات کارائی و اثربخشی آن از طریق تجربه عینی و با استفاده از شیوه‌های پژوهشی علمی شناخته شده، از ضرورت‌های مهم در تثبیت و تعمیق نظام اسلامی به شمار می‌رود.

تحقیقات و تألیفاتی که تاکنون در زمینه تبیین مدیریت اسلامی انجام یافته، عمدتاً با تجربه‌های عینی همراه نبوده است؛ در حالی که تحقق عینی مدیریت اسلامی و اثبات کارائی و برتری آن، نیازمند نتایج نظریه و اجرا و مستلزم آمیختن تئوری و تجربه است.

شاید بتوان گفت اثر حاضر اولین تجربه‌ای است که محصول نظر و عمل است زیرا نویسنده بعد از چند دهه تلاش علمی و حدود یک دهه مدیریت یکی از بزرگترین و پیچیده‌ترین سازمان‌های اجرایی کشور و تلاش در جهت اجرایی کردن ارزشهای الهی در نهادی که خود بر اساس همین ارزشها تأسیس یافته است، موضوع پایان نامه کارشناسی ارشد خود را به این امر اختصاص داده و با استفاده از روشهای علمی، به اثبات گوشه‌هایی از دستاوردهای حاصل از نگرشهای دینی و راهبردهای مدیریت اسلامی پرداخته است. این پژوهش علمی تحت عنوان «ارزشیابی نظام نوین ارائه خدمات به خانواده‌های شاهد در بنیاد شهید انقلاب اسلامی» در تاریخ ۷۹/۱۰/۱۳ با حضور استادان ذی ربط در مرکز آموزش مدیریت دولتی دفاع و به تصویب رسید. با توجه به این که در فصل دوم این

پژوهش به طور فشرده پایه های نظری و سیاستها و راهبردهای مربوطه مورد بررسی قرار گرفته است، بر حسب درخواست گروهی از همکاران بر آن شدیم با کسب اجازه از محقق و مؤلف محترم، فصل مزبور را با پاره ای اضافات که توسط ایشان به عمل آمد تحت عنوان در حریم لاله ها «مروری بر رسالت بنیاد شهید در نظام اسلامی» به صورت مستقل چاپ و منتشر سازیم.
ناشر

پیش گفتار

برای دین اسلام و حکومت اسلامی، مقصدی جز تأمین سعادت «مردم» متصور نیست و از آنجا که شهید، تمام هستی خود را برای خدا و خدمت به دین و سعادت «مردم» نثار می کند، بالاترین منزلت را نزد خداوند و «مردم» می یابد و شهید دادگان نیز در میان «مردم» از فضیلت و الائی برخوردار می شوند.

ترویج فرهنگ شهادت و ایثار و ارج گذاری به مقام شهیدان و دینی که همگان نسبت به آنها دارند، ایجاب می کند که نظام حکومتی و جامعه اسلامی ایران، وظائف مضاعفی را نسبت به خانواده شهیدان بر عهده داشته باشند.

بنیاد شهید انقلاب اسلامی بر اساس همین نگرش در نظام اسلامی شکل گرفته تا به عنوان «افضل بنیادها» (۱) در خدمت «افضل انسان ها» باشد و اگر حکومت اسلامی باید بر اساس معیارها و ارزشهای الهی قوام یابد، افضل نهادهای آن، به طریق اولی باید در این جهت پیشقدم بوده و الگویی از مدیریت اسلامی ارائه دهد.

بنیاد شهید انقلاب اسلامی که بعد از پیروزی انقلاب اسلامی و استقرار نظام جمهوری اسلامی با فرمان مورخ ۵۸/۱۲/۲۲ امام خمینی (قدس سره) شکل گرفت، از معدود نهادهایی بود که ماهیت کاملاً ابتکاری داشت و برخلاف نهادهایی مانند سپاه که تا حدود زیادی می توانست از دستگاه مشابهی مانند ارتش در ابعاد گوناگون بهره گیری کند، بنیاد شهید از هیچ پیشینه و الگوی تجربه

. بنیاد شهید از همه بنیادها افضل است، برای این که شهید از همه افراد افضل است. (امام خمینی) صحیفه امام، ج ۱۳، ص ۵۱۵، ۱۳۵۹/۱۰/۲۰

شده ای که بتواند در شکل گیری خود از آن بهره مند شود برخوردار نبود. از سوی دیگر محدوده و کمیت افراد تحت پوشش آن مشخص نبود و به موازات وقوع فتنه های داخلی و سپس جنگ تحمیلی و به تبع افزایش شهداء گسترش یافت.

باتوجه به این که یکی از اهداف مهم بنیاد شهید انقلاب اسلامی، صیانت از شأن، حرمت، عزت و کرامت خانواده های معزز شاهد است و بخشی از وظایف این بنیاد که مشتمل بر ارائه خدمات ضروری به این قشر مکرم می باشد، لذا ارزش واقعی آن، بیش از هر چیز وابسته به نقشی است که در جهت تحقق این هدف مهم ایفاء می نماید. پس چگونگی و شیوه ای که در ارائه خدمات به کار گرفته می شود از «اهمیت» برجسته ای برخوردار است.

ارائه خدمات، بخصوص در حیطه امور مادی و معیشتی چنانچه همراه با منت، ذلت و آزار جسمی و روحی گیرنده خدمت باشد، بهیچ وجه مطلوب نیست و علاوه بر این که این روش خدمت رسانی خلاف عقل است از منظر اسلام نیز مطرود بوده و در تضاد با فلسفه وجودی حکومت اسلامی و بنیاد شهید می باشد.

از طرف دیگر چون بنیاد شهید «خادم» و خانواده شهید «مخدوم» فرض شده است و مراجعه مخدوم به خادم برای گرفتن «خدمت» معمولاً با صرف وقت و هزینه و تحمل سختی و مخدوش شدن شخصیت و کرامت و عزت نفس او همراه است، بنابر این، پیشدستی «خادم» در ارائه «خدمت» بگونه ای که زمینه مراجعه «مخدوم» به سیستم اداری منتفی شود، امری بسیار «مهم» و ضروری تلقی شده و در سیاستگذاری ها و برنامه ریزیهای بنیاد شهید مورد توجه شایسته قرار گرفته است.

در این مقال سعی شده است ضمن اشاره کوتاه و اجمالی به رابطه دین و حکومت اسلامی با مردم و اشاره گذرا به ارزش شهادت و

منزلت شهيد و خانواده شهيد، رسالت بنياد شهيد در نظام اسلامي و
وظايف آن ترسيم شود و گوشه هايي از تلاشهاي به عمل آمده براي
تبیین و کاربردی کردن ارزشهای اسلامی در این نهاد، مورد توجه
قرار گیرد. امید است گام کوچکی که در این نوشتار در جهت تبیین
شمه ای از ارزشهای اسلامی در مدیریت برداشته شده با گامهای بلند
صاحب نظران و مدیران شایسته نظام به
کمال رسد و نویسنده را نیز در رفع کاستیهای بحث یاری دهند.
ان شاء الله

رابطه دین و حکومت اسلامی با مردم
بخش اول:

رابطه دین و حکومت اسلامی با مردم
نگاهی به مبانی حکومت اسلامی

بررسی و شناخت هر یک از ویژگی های حکومت اسلامی، مستلزم شناخت ریشه های آن در معارف و جهان بینی اسلام است. موضوع رابطه دین و حکومت اسلامی و اجزاء آن با مردم نیز از این قاعده مستثنی نیست و برای مروری گذرا بر دیدگاههای اسلام نسبت به این مقوله باید پاسخ سؤالات ذیل را به دست آوریم:

۱ - آیا خداوند، جهان هستی و از جمله انسان را بر اساس حق و حکمت آفریده است یا آفرینش جهان، باطل، بی هدف و بیهوده است؟
۲ - آیا مخلوقات و از جمله انسان نیازمند خداوند هستند؛ یا خداوند نیازمند مخلوقات و انسان است؟

۳ - آیا آنچه به عنوان دین و اوامر و نواهی از سوی خداوند برای شر تشریح شده است، حق و هدفدار است؛ یا باطل و بی هدف است؟
۴ - اگر دین و اوامر و نواهی الهی، بر حق، هدفدار و حکیمانه است، حکمت و هدف آن چیست؟

۵ - آیا انسان، نیازمند دینداری و اطاعت و پرستش خداست یا خداوند محتاج اطاعت و عبادت انسان است؟ به عبارت دیگر آیا دین و بایدها و نبایدهای آن با هدف تأمین نیاز خدا به آن تشریح شده است یا آن که خداوند، غنی بالذات است و این، انسان است که نیازمند به دین است و تمام بایدها و نبایدهای دین با هدف تضمین سعادت و تکامل انسان تشریح شده است؟

۶ - آیا حکومت اسلامی هدفی جز تحقق دین الهی در جامعه دارد؟ و اگر دین برای سعادت مردم و با هدف رشد و تکامل راستین انسان تشریح شده است آیا فلسفه و هدف نهایی حکومت اسلامی چیزی جز هدف دین و جز تأمین مصلحت و سعادت انسان ها است؟

۷ - آیا رهبران دینی که در صورت تحقق حکومت اسلامی، همان رهبران حکومت اسلامی هستند، در رهبری خود از منافع شخصی و مادی ویژه برخوردارند؛ یا همچون اصل دین و حکومت اسلامی که هدفی جز مصلحت مردم ندارد، رهبران الهی نیز هدفی جز مصالح مردم ندارند و در انجام این تکلیف هیچگونه منفعت شخصی و پاداشی از مردم نمی طلبند و اجر خود را فقط از خداوند می خواهند؟ و در يك جمله آیا ولایت خدا، رسول خدا و ولی امر او در جهت تأمین منافع خود آنهاست، یا به منظور تضمین مصالح و سعادت مردم است؟ و سرانجام اینکه آیا برای کارگزاران، تشکیلات و روش ها در نظام اسلامی وظیفه و مأموریتی جز تحقق بخشیدن هدف دین و حکومت اسلامی منظور شده است؟ و آیا جز خدمت به مردم مأموریتی دارند؟

۸ - اگر وظیفه و مأموریت نظام اسلامی و اجزاء آن صرفاً در جهت خدمت به مردم و براساس دین خداست آیا انجام این وظیفه و مأموریت می تواند ماهیت عبادی داشته باشد؟ در این صورت مشخصه ها و امتیازات آن چیست؟

۹ - اگر مأموریت کارگزاران در نظام اسلامی خدمت به مردم است پس کارگزاران خادمند و مردم مخدوم و با این فرض، رابطه بین خادم و مخدوم و مشخصات آن چیست؟

پاسخ درست به سؤالات فوق را جز از خالق هستی و مبدأ تکوین و تشریح نمی توان به دست آورد و محکم ترین مأخذ برای آن، قرآن کریم و سخنان معصومین علیهم السلام است که براهین عقلی و دلائل قطعی را نیز به همراه دارد. در این مقال سعی می شود به اجمال و اشاره، نمونه هایی از آیات و سخن وحی در پاسخ به سؤالهای مزبور ارائه شود.

خدا و انسان

خداوند متعال «حق» مطلق است. (۱) او سرچشمه تمام «حقایق» است. (۲) و هستی را به «حق» آفریده است. (۳) «انسان» - که جزئی از آفرینش «حق» است - بیهوده و عبث خلق نشده است. (۴) و یله و رها به

. ذلك بان الله هو الحق (حج / ۶۲)

. و قل الحق من ربكم (كهف / ۲۹)

. و ما خلقنا السموات و الارض و ما بينهما الا بالحق (حجر / ۸۵)

. افحسبتم انما خلقناكم عبثاً و انكم الينا لاترجعون (مومنون / ۱۱۵)

-۱۱-

خود و اگذار نشده است. (۱) یگانه هدف خلقت انسان، بندگی خداست. (۲) انسان مأموریتی جز پرستش خالصانه حق ندارد. (۳) زمینه و استعداد معرفت و عبودیت حق بطور تکوینی در انسان تعبیه شده و تشریح هماهنگ با تکوین، راه تکامل را فراروی انسان گشوده است. (۴) در حالی که همه چیز از آن خدا و وابسته به او است، او بی نیاز از همه چیز و غنی بالذات است. (۵) انسان نیز - همچون تمام پدیده ها - نیازمند خداوند بی نیاز است. (۶) گر جمله کائنات کافر گردند - بر دامن کبریا نشیند گرد. (۷) هرکس - در مسیر عبودیت حق - تلاش کند به سود خود تلاش کرده است، زیرا که خداوند از جهانیان بی نیاز است. (۸)

نتیجه آن که انسان بر اساس حق و حکمت بالغه الهی و با هدف پرستش حق آفریده شده است و التزام به او امر و نواهی الهی و دینداری انسان، یگانه راه کمال او است، در حالی که خداوند بی نیاز از انسان و بندگی او است و در يك جمله: در مجموعه دین الهی هدفی جز مصلحت انسان ها ملحوظ نگردیده است.

. ابحسب الانسان ان يُترك سدى (قيامة / ٣٦)
. و ما خلقت الجن و الانس الا ليعبدون (ذاريات / ٥٦)
. و ما امروا الا ليعبدوا الله مخلصين له الدين (بينه / ٥)
. فطرت الله التي فطر الناس عليها لا تبديل لخلق الله ذلك الدين القيم و
لكن اكثر الناس لا يعلمون (روم / ٣٠)
. له ما فى السموات و ما فى الارض و ان الله لهو الغنى الحميد (حج
/ ٦٤)
. يا ايها الناس انتم الفقراء الى الله و الله هو الغنى الحميد (فاطر / ١٥)
. و قال موسى ان تكفروا انتم و من فى الارض جميعاً فان الله لغنى
حميد (ابراهيم / ٨)
. و من جاهد فانما يجاهد لنفسه ان الله لغنى عن العالمين (عنكبوت /
٦)

رهبران الهی و مردم

انبیاء و رهبران الهی نیز رسالتی جز ابلاغ و تحقق دین الهی برای سعادت مردم نداشته اند و در انجام این وظیفه الهی هیچگونه مصلحت و منفعت شخصی در این دنیا برای خود آنان منظور نشده است. تمام تلاش ها و مجاهدت های خستگی ناپذیر انبیاء در راه هدایت و سعادت مردم، صرفاً به عنوان بزرگترین تکلیف الهی انجام گرفته است (۱) و به همین جهت هیچگاه انبیاء و رهبران الهی در قبال انجام رسالتشان، از مردم چشمداشت اجر و پاداش نداشتند و اجر خود را فقط از جانب خداوند ممکن دانسته اند.

در جای جای قرآن این نکته و الا به صراحت بیان شده است و به عنوان نمونه در سوره «شعرا» و از قول تعدادی از انبیاء در ضمن اشاره به سرگذشت تلاش هر يك، آمده است که «و ما اسألكم علیه من اجر ان اجری الا علی رب العالمین» (۲).

همچنین قرآن مجید مردم را امر به پیروی از کسانی می کند که پاداشی (بابت هدایت مردم) نمی طلبند درحالی که خود رهیافتگانند. «اتبعوا من لا یسألكم اجرا و هم مهتدون» (۳) و اگر در آیه ای دیگر خداوند خطاب به رسول خاتم (ص) می فرماید: «قل لا اسألكم علیه اجرا الا المودة فی القربی» (۴) بگو: برای (انجام رسالتم) از شما (مردم) اجری جز محبت نسبت به نزدیکان نمی خواهم، آن هم در حقیقت به منظور ایجاد

. و لقد بعثنا فی کل امة رسولا ان اعبدوا الله و اجتنبوا الطاغوت
(نحل / ۳۶)

. (شعرا / ۱۰۹) (و نیز آیات ۱۲۷، ۱۴۵، ۱۶۴، و ۱۸۰ همان
(سوره)

. یس / ۲۱

. شوری / ۲۳

ارتباط و تحکیم پیوند مردم با امامان معصوم (ع) و ادامه بهره‌گیری از هدایت‌های آنان است. امامانی که به نوبه خود راه پیامبر (ص) را می‌پویند و رهبری همان راه را به عهده دارند و همچون پیامبران، اجر خویش را جز از خدا نمی‌طلبند. بدینگونه آنگاه که انسان‌هایی با هدایت‌های پیامبر اکرم (ص) به صراط مستقیم بندگی خدا و ایمان به او ره می‌یافتند نه آن که بر آنها منتهی احساس نمی‌کرد، بلکه از سوی خداوند فرمان داشت که پر و بال فروتنی و محبت بر آنها بگشاید: «و اخض جناحك لمن اتبعك من المؤمنین». (۱)

نمونه رهبری الهی

نمونه بارز و اسوه عشق بی‌پیرایه و علاقه عمیق رهبران الهی به مردم و سرنوشت آنان را در توصیف قرآن مجید از رابطه پیغمبر بزرگ اسلام با مردم می‌توان دریافت که به چند مورد آن اشاره می‌شود:

«لقد جائکم رسول من انفسکم عزیز علیہ ما عنتم حریصٌ علیکم بالمؤمنین رؤوف رحیم». (۲)

«شما را پیامبری از خودتان آمد که رنج‌های شما بر او سخت و گران است، اصرار بر هدایت شما دارد و با مؤمنان رؤوف و مهربان است.»

«فلعلک باخع نفسک علی آثارهم ان لم یؤمنوا بهذا الحدیث اسفاً». (۳)

. شعر / ۲۱۵

. توبه / ۱۲۸

. کف / ۶

«گویی تو در پی ایشان از این که چرا قرآن را باور ندارند، خویشتن را از غم و اندوه، هلاک می کنی.»

در حالی که اوج شادی و مسرت رهبران الهی در خوشبختی انسان هاست، غم و رنج آنان نیز، غم و رنج گمراهی و تیره بختی مردم است. تا جایی که پیغمبر اسلام (ص) از شدت تأسف برای گمراهی مردم به حال جان کندن می افتاد! از پیامبر گرامی اسلام (ص) نقل است که فرمود: «ما اودی احد مثل ما اودیت فی الله» هیچ پیامبری مثل من در راه خدا اذیت نشد! (۱)

شاید گمان شود که چون خاشاک بر سرش ریختند، دندان مبارکش را شکستند، ساحرش نامیدند و دیوانه اش خواندند و... باتوجه به شأن و منزلتش که اشرف کائنات و «حقیقت اسم اعظم و مرآت اتم» (۲) و... بود و علی رغم این که با تمام وجود برای نجات و رستگاری مردم لحظه ای آرام نداشت، آن آزارها آنقدر به نظر مبارکش بزرگ آمده بود که چنین جمله ای را به زبان آورده است؛ اما در نگاهی ژرف تر به شخصیت بی نظیر حضرتش و عظمت بی کران روح و ایمانش درمی یابیم که اینگونه آزارها و بسیار بیشتر از آن در راه خدا و انجام فرمانش نه آن که ذره ای آزرده اش نمی ساخت بلکه برایش لذت بخش هم بود، زیرا آنچه موجب قرب بیشتر به حق شود در کام اهل حق شیرین است و انسان های الهی حتی از کسانی که بدترین آزارها را ببینند ناراحت نمی شوند بلکه برای خود آنها ناراحت می شوند. فرق است بین «از کسی ناراحت شدن» یا «برای کسی ناراحت

. کنز العمال، حدیث ۵۸۱۸

. تعبیری که امام خمینی در تعلیقات علی فصوص الحکم درباره

پیغمبر اکرم به کار برده است. (ص ۳۷)

شدن!» که صورت اول، نشان از خودبینی دارد و صورت دوم علامت و ارستگی از خود و پیوستگی به خدا و در امتداد آن محبت به خلق خدا را: «عاشقم بر همه عالم که همه عالم از او است».

بی گمان پیغمبر خدا نسبت به شخصی که هر روز از روی بام خانه اش به هنگام عبور آن حضرت، خاشاک بر سر مبارکش می ریخت، به شدت ناراحت می شد اما نه برای خود - هر چند کمترین جفا و بی احترامی نسبت به و الامقام ترین مخلوق عالم، بزرگترین گناه است - بلکه برای آن شخص که در اثر جهل و گمراهی و ارتکاب چنین گناهی راه به سوی جهنم و شقاوت می سپرد و بر اساس همین نگرش الهی در انتظار فرصت مناسب برای هدایت او با کرامت و شکیبایی این وضعیت را تحمل می کند و آنگاه که طی چند نوبت عبور از آن مسیر اثری از آن اهانت نمی یابد، مشفقانه و بسان دوستی که مرهون محبت های پی در پی او است از او سراغ می گیرد و چون از بیماری او مطلع می شود به عیادتش می شتابد و دل سنگ او را چنان با نرمش کرامت اخلاقی (۱) می شکافد که چشمه سارهای عشق و ایمان از آن سرازیر می شود و به وحدانیت خدا و رسالت حضرتش شهادت می دهد و....

پیامبر اکرم (ص) که بر حسب توصیف قرآن «رحمة للعالمین» (۲) است و مسئولیت هدایت و سعادت کل بشریت را نه فقط در عصر خویش که به عنوان خاتم انبیاء تا قیام قیامت، بر دوش خود احساس می کند؛ ضلالت و

. بعثت لاتمم مکارم الاخلاق (پیغمبر اکرم «ص») کنز العمال، حدیث

. و ما ارسلناك الا رحمة للعالمين (انبیاء / ۱۰۷)

تیره بختی مردم و عصیان هر انسانی از زمان بعثت پیغمبر (ص) و تا زمانی که جهان برپاست او را رنجی بس بزرگ می دهد و روح لطیف و ملکوتیش را می آزد. روح بلندی که شعاع شهودش فراتر از زمان و مکان و قیود عالم طبیعت، همواره ناظر اعمال و احوال انسان ها و سرانجام سعادت و شقاوت و بهشت و جهنم آنها است. (۱) آری این است حقیقت الهی مکتب اسلام که نمازش برای پالایش انسان از زشتیها (۲)، روزه اش مایه خودسازی و خیر انسان (۳)، خمس و زکاتش پاک کننده و رشدهنده روح (۴)، حج اش مایه برکت (۵) و مشتمل بر منافع مردم (۶)، نهی از منکرش مبارزه با گناه برای نجات گناهکار (۷)، غضبش بر اساس رحمت (۸)، مرگش برای حیات (۹)، جهادش برای آزادی و جهدش برای هدایت و هدف رهبری و حکومتش سعادت انسان است و لا غیر! (۱۰)

. و قل اعلموا قَسِيرِي اللهُ عملكم و رسوله و المؤمنون (توبه / ۱۰۵)

. ان الصلوة تنهى عن الفحشاء و المنكر (عنكبوت / ۴۵)

... کتب عليكم الصيام كما كتب على الذين من قبلكم لعلکم تتقون....

و ان تصوموا خیر لکم.... (بقره / ۱۸۴ - ۱۸۳)

. خذ من اموالهم صدقه تُطَهِّرُهُمْ و تَزَكِّيَهُمْ بها (توبه / ۱۰۳)

. ان اول بيت وُضِعَ للناس للذی ببكة مبارکاً و هدی للعالمين (آل

عمران / ۹۶)

. ليشهدوا منافع لهم (حج / ۲۸)

... فانكروا بقلوبكم و الفظوا بالسنتكم و صكوا بها جباههم و لا

تخافون فی الله لومة لائم فان اتعظوا و الى الحق رجعوا فلا سبیل

عليهم. (امام باقر علیه السلام) وسائل الشیعه، ج ۱۱، ص ۴۰۳
 . یا من سبقت رحمته غضبه. (دعای جوشن کبیر) مفاتیح الجنان،
 شیخ عباس قمی

. وَ لَكُمْ فِي الْقِصَاصِ حَيَاةٌ يَا أُولِي الْأَلْبَابِ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ. (بقره / ۱۷۹)
 . يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا هَلْ أَدُلُّكُمْ عَلَىٰ تِجَارَةٍ تُتَّجِرُ بِهَا تَنجِيكُمْ مِنْ عَذَابِ الْيَمِّ.
 تَوْمِنُونَ بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَتُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ ذَلِكَ
 خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ. يُغْفِرْ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ وَ يُدْخِلْكُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ
 تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ وَ مَسَاكِنَ طَيِّبَةً فِي جَنَّاتٍ عَدْنٍ ذَلِكَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ. (صف
 / ۱۲ - ۱۰)

حکومت اسلامی و مردم

ولی فقیه نیز در عصر غیبت، پرچمدار این آیین و عهده دار همین رسالت است و حکومت اسلامی تحت رهبری او مجری احکام این دین و ابزار تحقق همین هدف است و به همان دلیل و همان نسبت، اصل دین برای مردم و سعادت دنیوی و آخروی آنان می باشد و هیچگونه منفعت و مصلحتی جز این در دین و دینداری، ممکن و متصور نیست. حکومت اسلامی نیز یگانه حکومتی است که در خدمت مردم و تأمین مصالح انسان هاست. نه حکومتی که در حد نفسه موضوعیتی دارد، نه در آن برای هیچ قشر، قوم، طبقه، شخص و حزب خاصی، منفعت و مصلحت ویژه ای ملحوظ شده است. اگر شرایط احراز در رده های مختلف کارمندی و مدیریتی منظور گردیده است، صرفاً در راستای تضمین مصالح مردم است نه برای مصلحت شخص یا گروهی خاص.

تشکیلات و روش ها در حکومت اسلامی نیز همسو با برنامه ها و همگون با عوامل اجراء و مدیریت و رهبری صرفاً در جهت خدمت به مردم و تأمین مصالح جامعه شکل می گیرد و با چنین نگرشی رابطه مجموعه حکومت اسلامی با مردم و تأمین مصالح آنها رابطه

خادم و مخدوم و مقدمه و ذی المقدمه است. بنابراین تشکیل حکومت اسلامی و حفظ آن هر چند از اهم واجبات است - زیرا بدون آن، تحقق اسلام و اهداف آن در جامعه امکان پذیر نیست - با این حال وجوب و اهمیت آن تبعی و «مقدمی» است و وجوب مؤکد آن، نشأت گرفته از وجوب و اهمیت «ذی المقدمه» است و تا آنجا حکم «ذی المقدمه» به «مقدمه» تسری می یابد که مقدمه در جهت و خدمت ذی المقدمه باشد؛ و در صورتی که مقدمه، خاصیت اثباتی خود را در ارتباط با ذی المقدمه از دست بدهد یا احیاناً در تضاد با ذی المقدمه قرار گیرد، قابلیت تسری حکم ذی المقدمه به آن منافی و احیاناً حکم متضاد می یابد و به این ترتیب هرگونه برنامه و دستورالعمل و هر عامل اجرا و مدیر و هر تشکیلات و روشی که براساس اسلام در خدمت مردم نباشد، بهیچوجه مشروعیت و شایستگی پیوند با نظام اسلامی را نداشته و برای اصلاح یا انفصال و محو آن لحظه ای درنگ جایز نیست.

در میان اقشار جامعه اسلامی، بعضی از اقشار براساس ارزشهای الهی از جایگاه ویژه ای برخوردارند. آنان که در راه خدا و به تعبیر دیگر برای جامعه سرمایه گذاری و ایثار بیشتری می کنند نسبت به آنان که فقط می خواهند گلیم زندگی شخصی و مادی خود را از آب بیرون بکشند در نظام اسلامی دارای فضیلت برتری هستند (۱) و حکومت اسلامی وظیفه خدمتگزاری ویژه ای نسبت به آنها دارد.

شهید از آنجا که تمام هستی خود را یکجا برای حفظ مصالح مردم، در راه خدا نثار می کند در اوج قله فضیلت قرار می گیرد و پدران و مادرانی که چنین فرزندان را پرورش داده و به پیشگاه الهی تقدیم می کنند و

. لا یستوی القاعدون من المومنین غیر اولی الضرر و المجاهدون فی
سبیل الله بهم

و انفسهم ... فضل الله المجاهدين على القاعدين اجراً عظيماً. (نساء /
۹۵)

-۱۹-

همسران و فرزندان شهدا که عزت انتساب به مقام شهادت را می یابند و با ادامه راه شهیدان، تجلیگاه روح جاودانه شهید در جامعه می شوند، نه در جایگاه مستمندان مستحق ترحم، که در مقام ولی نعمت و سروری نظام و جامعه اسلامی قرار دارند.

ارزش شهادت، شهید و خانواده شهید
بخش دوم:

ارزش شهادت، شهید و خانواده شهید
شهادت، قله کمال

شهادت از برترین و اثره های فرهنگ اسلامی و از مقدس ترین مفاهیم معارف الهی است. شهادت اوج کمال انسان است، آنگاه که انسان تمام هستی خود را یکجا نثار معبود می کند و قطره وجودش به دریای بیکران هستی مطلق می پیوندد.

رسول خدا صلی اله علیه و آله فرمود:

«فوق كل ذي بربرٍ حتى يقتلَ في سبيل الله، فاذا قتل في سبيل الله فليس فوقه برٌّ» (۱)

«بالا تر از هر خیر و نیکی، خیر و نیکی وجود دارد تا انسان در راه خدا کشته شود که بالاتر از کشته شدن در راه خدا، خیر و نیکی یافت نشود.»

. وسائل الشیعه، ج ۱۱، ص ۱۰، حدیث ۲۱

همچنین پیغمبر اکرم «ص» فرمود: «اشرف الموت قتل الشهادة» (۱)
«شهادت برترین مرگ ها است.»

و نیز از آن حضرت نقل شده که:

«لو ددت انی اقتل فی سبیل الله، ثم احیا ثم اقتل ثم احیا ثم اقتل ثم احیا ثم اقتل ثم احیا ثم اقتل» (۲)

«دوست دارم در راه خدا کشته شوم (نه یک بار و دو بار که) بارها کشته شوم و زنده شوم و باز هم کشته شوم.»

حضرت امیرالمومنین علیه السلام در مقام دعا و درخواست از خداوند متعال عرضه می دارد: «نسأل الله منازل الشهداء» (۳)

«از خداوند جایگاه شهیدان را طلب می کنم.»

و همچنین می فرماید: «فوالله إني لعلی الحقّ و إني للشّهادة لیمحبُّ» (۴)

«... پس سوگند به خدا که من بر حقم و موگداً دوستدار شهادتم.»

مقام شهید

شهید مصداق عینی شهادت است که با انتخاب آگاهانه و در کمال خلوص، هستی خود را یکجا به آفریدگار جهان تقدیم می کند و به سرچشمه بقا و حیات، پیوند می یابد.

. بحار الانوار، ج ۶۷، ص ۸، حدیث ۴

. صحیح بخاری، ج ۴، ص ۲۱

. نهج البلاغه، خطبه ۲۳

. شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید معتزلی، ج ۶، ص ۱۰۰. اراحیه التراث العربی - بیروت، چاپ دوم.

درك و فهم مقام شهید از حیطة درك و فهم واماندگان در عالم طبیعت خارج است و تنها منبع وحی الهی است که شمه ای از این مقام را برای ما بازگو فرموده است:
«و لا تقولوا لمن یقتل فی سبیل الله اموات بل احياء و لكن لا تشعرون» (۱)

«برای کسانی که در راه خدا کشته می شوند نگویید مردگانند (کلمه اموات را در باره شهدا به کار نبرید) بلکه آنها زنده اند، لکن شما درك نمی کنید.»

این آیه ضمن آن که بر زنده بودن شهدا تاکید می‌ورزد، درك این مقام را از حیطة شعور و فهم بشر در این دنیا خارج می‌شمارد. در حالی که آیه فوق از به کار بردن تعبیر اموات در مورد شهدا نهی

می کند، در آیه ای دیگر از پندار مرده بودن آنان نیز نهی فرموده است که نه فقط به زبان نگویید آنها مرده اند بلکه به دل نیز راه ندهید:

«و لا تحسبن الذین قتلوا فی سبیل الله امواتا بل احياءٌ عند ربهم یرزقون» (۲)

«کسانی را که در راه خدا کشته شده اند مرده مپندارید، بلکه زنده اند و نزد پروردگارشان روزی داده می شوند.»

امام خمینی (قدس سره) در این زمینه می فرماید: «اگر نبود در شأن و عظمت شهدای معظم فی سبیل الله جز این آیه کریمه، که با قلم قدرت غیب بر قلب مبارک نورانی سید رسل صلی الله علیه و آله و سلم نگاشته و پس از تنزل مراحلی به ما خاکیان صورت کتبی آن رسیده است، کافی بود که قلمهای ملکوتی و مُلکی شکسته شود و قلبهای ماورای اصفیاء الله از جَولان در حول آن فرو بسته شود. ما خاکیان محجوب یا افلاکیان چه دانیم که این «ارتزاق عندالرب شهدا» چی است. چه بسا مقامی باشد که خاص مقربان درگاه او جل و علا و وارستگان از خود و ملک هستی باشد. پس مثل من وابسته به علائق و وامانده از حقایق چه گویم و چه نویسم، که خاموشی بهتر و شکستن قلم اولی است.» (۳)

امام خمینی همچنین پیرامون نکاتی از همین آیه می فرماید: «در این آیه کریمه بحث در زندگی پس از حیات دنیا نیست که در آن عالم همه مخلوقات دارای نفس انسانی به اختلاف مراتب از زندگی حیوانی و مادون حیوانی تا زندگی انسانی و مافوق آن زنده هستند، بلکه شرف بزرگ شهدای در راه حق، «حیات عندالرب» و ورود در «ضیافه الله» است.

این حیات و این ضیافت را با قلمهای شکسته ای مثل قلم من نمی توان توصیف و تحلیل کرد، این حیات و این روزی غیر از زندگی در بهشت و روزی در آن است. این لقاء الله و ضیافه الله می باشد. آیا این همان نیست که برای صاحبان نفس مطمئنه وارد

است «فادخلی فی عبادی و ادخلی جنتی» که فرد بارز آن سید شهیدان سلام الله علیه است.» (۴)

«از شهدا که نمی شود چیزی گفت. شهدا شمع محفل دوستانند. شهدا در قهقهه مستانه شان و در شادی و وصولشان «عند ربهم یرزقون» اند؛ و از «نفوس مطمئنه ای» هستند که مورد خطاب «فادخلی فی عبادی و ادخلی جنتی» پروردگارانند. اینجا صحبت از عشق است و عشق؛ و قلم در ترسیمش بر خود می شکافد.» (۵)

درباره مقام شهید احادیث بسیاری از معصومین علیهم السلام نقل شده است که در اینجا به مواردی از آنها اشاره می شود:

حضرت امیرالمومنین علی علیه السلام فرمود:

«ان الله كتب القتل على قوم و الموت على آخرین و كل آتية منيئه كما كتب الله له فطوبى للمجاهدين فى سبيل الله و المقتولين فى طاعته.» (۶)

«خداوند برای گروهی کشته شدن و برای گروهی دیگر مرگ را مقرر فرموده است و هر کدام به اجل مقرر خود به آنگونه که خدا مقدر فرموده می رسند. پس خوشابه حال مجاهدان در راه خدا و کشتگان در راه اطاعتش.»

امام زین العابدین علیه السلام از قول جدش رسول الله می فرمود:

«ما من قطرة احبُّ الى الله عزّ و جلّ من قطرة دم فى سبيل الله.» (۷)

«هیچ قطره ای در پیشگاه خداوند محبوب تر از قطره خونی که در راه خدا ریخته می شود، نیست.»

از پیغمبر اکرم (ص) نقل شده که فرمود:

«... و اول من يدخل الجنة شهيد.» (۸)

«اول کسی که وارد بهشت می شود، شهید است.»

امام صادق علیه السلام از طریق پدرانش از جدش رسول الله نقل فرموده:

«ثلاثة يشفعون الى الله يوم القيامة فيُشَقُّعُهم: الانبياء ثم العلماء ثم

الشهداء» (۹)

«سه گروه روز قیامت شفاعت می کنند و شفاعت آنان مورد پذیرش خداوند قرار می گیرد: انبیاء، علما و شهداء.»
 همچنین از پیغمبر اکرم (ص) نقل شده که فرمود: «یشفع الشهيد فی سبعین فی اهل» (۱۰)

«شهید هفتاد نفر از بستگان خود را شفاعت می کند.»

امام خمینی درباره شفاعت می فرماید: «جلوه شفاعت شافعان در این عالم، هدایت، آنها است و در آن عالم، باطن هدایت شفاعت است. تو از هدایت اگر بی بهره شدی از شفاعت بی بهره ای و بهر قدر هدایت شوی شفاعت شوی. (۱۱)»

باتوجه به معنی شفاعت و رابطه آن با هدایت در این دنیا و نقشی که شهدا در امتداد انبیاء و علماء برای هدایت مردم ایفاء می کنند، جایگاه رفیع شهدا را می توان دریافت. اگر در حدیث اخیر سخن از شفاعت هفتاد نفر از اهل شهید آمده است او لا کلمه هفتاد ظاهراً اشاره به کثرت است و وسعت دائره شفاعت شوندهگان در آخرت وابسته به دائره هدایت شوندهگان از شهادت شهید در این دنیا است و ممکن است شهادت شهیدی مانند امام حسین علیه السلام منشأ هدایت میلیون ها میلیون انسان در این دنیا و شفاعت آنان در آخرت شود. ثانیاً به کاربردن تعبیر اهل در حدیث مزبور اشاره به اهلیت شفاعت شوندهگان دارد که با نظر امام خمینی مبنی بر تطابق بین ظاهر و باطن شفاعت همسو می باشد. آنچنانکه شفاعت حضرت نوح در مورد پسرش به درگاه خداوند پذیرفته نشد به دلیل آن که در فرهنگ قرآن «انه لیس من اهلك» (۱۲) او اهل حضرت نوح نبود!

در بیانی دیگر، رابطه بین پیغمبر (ص) و عالمان و شهداء را بدینگونه می توان دریافت که هدف اصلی از تنزیل وحی و قرآن، هدایت انسانها است: «ان هذا القرآن یهدی للتی هی اقوم» (۱۳)

و پیامبر اکرم برای تعلیم قرآن مبعوث شده است:

«هو الذی بعث فی الامیین رسولا منهم یتلوا علیهم آیاته و یزکیهم

و يعلمهم الكتاب و الحکمه و ان كانوا من قبل لفي ضلال مبين.» (۱۴) و علماء که مصداق بارز و در رأس آنان ائمه اطهار علیهم السلام هستند، نقش اساسی را در تبیین وحی الهی و هدایت جامعه اسلامی ایفاء کردند بگونه ای که اگر امامت آنان نبود دین الهی کامل نمی شد و نعمت هدایت به اتمام نمی رسید:

«الیوم اکملت لکم دینکم و اتممت علیکم نعمتی.» (۱۵)

همانگونه که اگر شهدا نبودند اسلام در آغاز نهضت نبوی شکل نمی گرفت و باز اگر شهدای کربلا نبودند دین حق استمرار نمی یافت و شاید این سخن پیغمبر اکرم که درباره امام حسین فرمود: «و انا من حسین» من از حسینم، اشاره به همین نکته باشد. همچنین اگر شهدای دوران نهضت و انقلاب اسلامی در ایران نبودند انقلاب به پیروزی نمی رسید و بالاخره اگر شهدای دفاع مقدس نبودند امروز اثری از جمهوری اسلامی در ایران باقی نمانده بود.

در این مختصر ذکر انبوه احادیث درباره شهید نمی گنجد لذا این بخش را با بیانی دیگر از امام خمینی به پایان می بریم: «درباره شهید آنقدر از اسلام و از اولیای اسلام روایات وارد شده است در فضل شهادت که انسان متحیر می شود. من بعضی از يك روایت را برای شما ترجمه می کنم تا بدانید که شما در خدمت چه اشخاصی هستید، و بنیاد شما چه ارزشی دارد. در روایتی از رسول اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) (۱۶) نقل شده است که برای شهید هفت خصلت است که اولی آن عبارت است از اینکه اول قطره ای که از خون او به زمین بریزد تمام گناहانی که کرده است آمرزیده می شود. مهم آن، آخرین خصلتی است که می فرماید. می فرمایند که - به حسب این روایت - که شهید نظر می کند به وجه الله و این نظر به وجه الله راحت است برای هر نبی و هر شهید. شاید نکته این باشد که حجاب هایی که بین ما و حق تعالی هست و وجه الله است و تجلیات حق تعالی هست، تمام این حجاب ها منتهی می شوند به حجاب خود انسان. انسان خودش حجاب بزرگی است که همه حجاب هایی که

هست، چه آن حجاب هایی که از ظلمت باشند و آن حجاب هایی که از نور باشند منتهی می شوند به اینکه حجابی که خود انسان است. ما خودمان حجاب هستیم بین خودمان و وجه الله. و اگر کسی فی سبیل الله و در راه خدا این حجاب را داد، این حجاب را شکست و آنچه که داشت که عبارت از حیات خودش بود تقدیم کرد، این مبدأ همه حجاب ها را شکسته است، خود را شکسته است، خودبینی و شخصیت خودش را شکسته است و تقدیم کرده است، و چون برای خدا جهاد کرده است و برای خدا دفاع کرده است از کشور خدا و از آئین الهی و هر چه داشته است در طبق اخلاص گذاشته و تقدیم کرده است، خود را داده است، این حجاب شکسته می شود. شهدا، شهدایی که خدای تبارک و تعالی و در سبیل خدای تبارک و تعالی و راه خدای تبارک و تعالی جان خودشان را تقدیم می کنند، آنچه که در دستشان است و بالاترین چیزی است که آنها دارند تقدیم خدا می کنند، در عوض خدای تبارک و تعالی این حجاب که برداشته شد جلوه می کند برای آنها، تجلی می کند برای آنها. چنانچه برای انبیا هم چون همه چیز را در راه خدا می خواهند، و آنها خودی را نمی بینند و خود را از خدا می بینند، و برای خودشان شخصیتی قائل نیستند، حیثیتی قائل نیستند در مقابل حق تعالی. آنها هم حجاب را برمی دارند. «فَلَمَّا تَجَلَّى رَبُّهُ لِلْجَبَلِ جَعَلَهُ دَكَّاءً» (۱۷) تجلی می کند خدای تبارک و تعالی در کوه طور و یا در جبل انبیت خود موسی و موسی «صعق» [برایش پیش می آید]. آنها در حال حیات، انبیا و اولیا نظیر انبیا و تالی تلو انبیا در زمان حیات شان آن چیزهایی که حجاب بوده است بین آنها و بین حق تعالی می شکنند و صعق برای آنها حاصل می شود و موت اختیاری برای آنها حاصل می شود. خدای تبارک و تعالی بر آنها تجلی می کند، و نگاه می کنند به حسب آن نگاه عقلی، باطنی و روحی و عرفانی، و ادراک می کنند و مشاهده می کنند جلوه حق تعالی را، و شهید هم به حسب این روایتی که وارد شده است، نظیر انبیا، وقتی که شهید شد

چون همه چیز را در راه خدا داده است، خدای تبارک و تعالی جلوه می کند به او و آن هم «بینظر الی» جلوه خدا، الی وجه الله این آخر چیزی است که برای انسان، آخر کمالی است که برای انسان هست. در این روایتی که در کافی نقل شده است، در این روایت، انبیا را مقارن شهدا قرار داده است که در جلوه ای که حق تعالی می کند بر انبیا همان جلوه را هم بر شهدا می کند. شهید هم «بینظر الی وجه الله» و حجاب را شکسته است. همانطوری که انبیا حجاب ها را شکسته بودند. و آخر منزلی است که برای انسان ممکن است باشد. مژده داده اند که برای شهدا این آخر منزلی که برای انبیا هم هست، شهدا هم به حسب حدود وجودی خودشان به این آخر منزل می رسند». (۱۸)

وظیفه جامعه نسبت به شهید

از آنجا که شهید برای خدا و در راه خدا، هستی خود را برای نجات و سعادت جامعه فدا می نماید، هر چند پاداش اصلی خود را از خداوند دریافت می کند، اما بنابر حکم عقل جامعه نیز به لحاظ حقی که شهید برگردن آنان دارد، مدیون شهید است و باید با تمام وجود دین خود را در قبال شهید ایفاء نماید.

زنده نگهداشتن یاد و نام شهید و بزرگداشت زمان و مکان شهادت و مدفن او و الگوسازی از شخصیت و سیره زندگی و حماسه ایثارگرانه شهید، بخشی از وظائف جامعه نسبت به شهید می باشد.

این نکته افزودنی است که فایده انجام این نوع وظائف عمدتاً به خود مردم بازمی گردد و در حقیقت این ما هستیم که نیازمند شهدا هستیم ه آن که شهدا نیازمند بزرگداشت ما باشند. اجر و مقامی که شهدا نزد پروردگارشان دارند با بزرگداشت یا غفلت مردم از آنان کم و زیاد نمی شود. بزرگداشت و تکریم شهید در جامعه یعنی بزرگداشت و تکریم فرهنگ شهادت و تمام نیکی ها و ترویج روحیه ایثارگری و فداکاری برای ارزشها و دفاع از جامعه و سرزمین اسلامی. فرهنگ و روحیه ای که قوام و بقاء جامعه و نظام و

سرزمين اسلامي، همواره نيازمند به آن مي باشد و اين مطلبي است كه تمام ملل و كشورها در چارچوب جهان بيني و ارزشهاي خود به منظور حفظ استقلال و دفاع از موجوديتشان در برابر بيگانگان و مهاجمان مورد توجه و اهتمام جدي آنان قرار دارد. منزلت خانواده شهيد

خانواده شهيد از جهات مختلف، داراي مقام و منزلت ويژه اي در پيشگاه خداوند و در نظام و جامعه اسلامي مي باشد. پدر و مادر شهيد با توجه به اين كه معمولاً بيشترين نقش را در تربيت شهيد ايفاء و با داشتن بيشترين علاقه به فرزند خود او را تقديم خدا کرده اند از ارزش والايي برخوردار مي باشند. والدين، مخصوصاً مادر، بطور طبيعي آنچنان علاقه اي به فرزند خود دارند كه عادتاً براي حفظ فرزندشان حاضرند همه چيز خود را فدای او کنند و مي توان گفت والدين، فرزند خود را از جان خود بيشتر دوست مي دارند. اين بيت از شعر سعدي بهترين توصيف حالت بدرقه والدين به هنگام عزيمت فرزندانشان به سوي جبهه است:

در رفتن جان از بدن گويند هر نوعي سخن*** من خود به چشم خويشتن ديدم كه جانم مي رود بنا بر اين والدين مخصوصاً آناني كه با طيب خاطر و بر اساس اعتقادشان فرزندانشان را از زير قرآن عبور داده و بعد از شهادت آنان نيز صبورانه، رضاييت خود را در برابر تقدير الهي ابراز و از اين كه خداوند اين افتخار را نصيب آنها فرموده خود را سربلند و مفتخر مي بينند، شاهدان عيني فرهنگ شهادت و ايثار و ره يافتگان وصال حقند.

همسر شهيد نيز كه افتخار همزيستي با شهيد را داشته و شريك زندگي و پشتيبان و سرپرست خود را به ظاهر از دست داده و بار نگهداري و تربيت فرزندان شهيد و مسئوليت حفظ كرامت و عظمت شهيد را در جامعه به دوش گرفته، به همراه فرزندان شهيد به عنوان يادگار آن شهيد كه نزديكترين نسبت و انتساب را به او دارند، منزلت و جايگاه برجسته اي را نزد خداوند و مردم دارند.

مجموعاً می توان گفت مشابه همان فاصله ای که شهید و مقتول فی سبیل الله نسبت به مقتولین در مسیر طاغوت دارد، بین خانواده آنها نیز وجود دارد و نمودی از این تفاوت و فاصله را در مقایسه بین خانواده های شهدای ایران و بازماندگان مقتولین جنگ ها در بسیاری از کشورهای دیگر می توان به دست آورد. در حالی که بازماندگان مقتولین آن جنگ ها بعد از جنگ به عوامل عمده نارضایتی و بحرانهای اجتماعی و اخلاقی تبدیل می شوند، ما شاهدیم خانواده های شهدای انقلاب اسلامی همچون خاندان شهدای کربلا ادامه دهندگان راه شهدا و از پشتیبانان اصلی نظام و ارزشهای اسلامی هستند بگونه ای که میزان حمایت از آرمان شهدا در خانواده شهدا بیشتر از سایر اقشار است و به همین ترتیب خانواده هایی که دو شهید تقدیم اسلام کرده اند نسبت به يك شهیدی ها، و چند شهید داده ها نسبت به دو شهید داده ها، التزام و پیوند محکم تری با شهدا و راه آنان دارند و نویسنده خود بارها شاهد بود مادری که تصویر سه شهید خود را در دست داشت و به زیارت امام راحل نائل می شد - به جای اظهارتأثر از شهادت فرزندانش، قهرمانانه اصرار داشت که امام دعا کند او هم توفیق شهادت در راه خدا را پیدا کند!

به این ترتیب خانواده شهید از دو جهت شایسته تکریم و تجلیل و خدمت می باشند: اولاً به دلیل اهلیت و شایستگی اکتسابی و نقشی که در همراهی و همسوئی با شهید ایفاء می کنند و ثانیاً بخاطر انتسابی که با شهید دارند و در سایه دینی که جامعه به شهید دارد بخشی از تکریم و تعظیم شهید در احترام و تجلیل از خانواده و اهل بیت او تجلی می یابد و مساله تکریم خانواده شهید و تقدیم خدمات لازم به آنان نه تنها به عنوان يك کار مطلوب بلکه يك وظیفه همگانی برای جامعه و نظام اسلامی به حساب می آید.

این مطلب را نیز با سخنی از امام راحل که جلوه ای از نگرش اسلام درباره این قشر و الامقام است می آرئیم: «سلام و درود بر شما پدران و مادران، همسران، فرزندان و بازماندگان شهدا که از بهترین

عزیزان خود، در راه بهترین هدف که اسلام عزیز است،
بزرگوارانه گذشته اید و در امر دفاع از دین خدا، آنچنان صبر و
مقاومت نشان داده اید که رشادت و استقامت یاران سید شهیدان
حضرت امام حسین - علیه السلام - را در خاطره جهانیان تجدید
کردید. (۱۹)»

بنیاد شهید انقلاب اسلامی

بخش سوم:

بنیاد شهید انقلاب اسلامی

جایگاه و نقش بنیاد شهید در نظام اسلامی

هدف از آفرینش انسان قرب به ذات حضرت باریتعالی از طریق معرفت و پرستش اوست و شهادت، رفیع ترین قله پرستش است که انسان با گذشت از تمام هستی خود برای رسیدن به خدای هستی برمی گزیند. پس شهادت اوج کمال انسان و برترین خوبی ها و سرچشمه همه فضیلت ها است و پیروزی انقلاب اسلامی و تأسیس جمهوری اسلامی از ثمرات این شجره طیبه است و عزت و کرامت امت اسلامی در زمان حال و آینده در گرو ادامه و استمرار این فرهنگ است. بر چنین مبنایی بنیاد شهید انقلاب اسلامی به فرمان حضرت امام خمینی (ره) با هدف:

- احیاء، حفظ و ترویج فرهنگ شهادت و شهادت طلبی و «آکندن فضای جامعه از عطر شهادت» (۲۰)،

- زنده نگه داشتن یاد شهیدان و حفظ آثار آنان،

- تجلیل و تکریم از خانواده های معظم شهدا،

شکل گرفت و در این راستا ضرورت بزرگداشت و احیای یاد و نام شهیدان در جامعه به عنوان تجسم مصادیق عینی شهادت و حفظ کرامت و جلالت خانواده های شهیدپرور شاهد، این گلهای معطر بوستان شهادت و ایثار به عنوان راهبردهای اساسی معطر ساختن جامعه اسلامی به عطر شهادت مطرح گردید. بنابراین موضوع کار بنیاد شهید عبارت است از: شهادت، شهید و خانواده شهید و قلمرو آنها در رابطه با شهادت، آکندن فضای تمام جامعه از عطر شهادت و در مورد شهید، تمامی «شهدای اسلام» و در مورد خانواده شهید «خانواده تمامی شهدای انقلاب اسلامی» است. تأسیس این نهاد از سوی امام خمینی ضمن آن که نشان دهنده ارجمندی اسلام و

نظام اسلامی به موضوع شهید و خانواده شهید است، با توجه به نقش بی بدیلی که این نهاد در هنگامه جنگ تحمیلی و بعد از آن در ارتباط با شهدا و خانواده آنان ایفاء کرد و با عنایت به این نکته که در زمان صدور فرمان امام همنوز نشانی از وقوع جنگ تحمیلی هشت ساله نبود، از عجایب آینده نگری و ژرف اندیشی در مدیریت امام به شمار می آید.

در ضمن باید توجه داشت که تأسیس بنیاد شهید يك ابتکار و پدیده ای کاملاً نو در جمهوری اسلامی ایران محسوب می شود. بی سابقه بودن چنین نهادی از يك سو و گسترش و افزایش تدریجی موضوع و حوزه فعالیت آن در اثناء جنگ تحمیلی از سوی دیگر آن هم در شرایط نوپایی نظام و مدیریت جمهوری اسلامی، شکل گیری و سازماندهی آن را دشوار می نمود و در حقیقت بخش عمده شکل گیری و گسترش این بنیاد، تابع و همپای حوادث جنگ به وقوع پیوسته است.

بنیاد شهید از زمان تأسیس تا پایان دفاع مقدس با تمام توان در راستای تحقق فرامین حضرت امام (رض) در جهت خدمت رسانی به خانواده های معظم شاهد و جانبازان عزیز و وظائفی که نسبت به شهدا داشت تلاش کرد که با عنایت به کارائی و عملکرد مثبت و قابل توجه تشکلهای نهادی و انقلابی ثمرات ارزنده ای بر جای گذاشت؛ اما همانگونه که اشاره شد این نهاد به دلیل نداشتن الگوی قبلی و نوپائی و گسترش انفعالی همپای با جنگ و ادامه آن هیچگاه فرصت مناسبی برای تدوین و ترسیم سیاست ها، راهبردها و برنامه ریزی جامع نیافت.

با پایان جنگ تحمیلی و تحولات بعد از آن، مجال پرداختن به این امر ضروری فراهم شد و ضمن بازنگری تمام ابعاد این بنیاد، سیاست ها و راهبردهای مورد نظر تدوین گردید و بر همان اساس پیش نویس لایحه اساسنامه بنیاد شهید تهیه و بعد از طی مراحل به دولت ارائه شد و در ادامه به تصویب مجلس شورای اسلامی رسید.

اهم وظایف بنیاد شهید (۲۱)

بنیاد شهید یک نهاد فرهنگی است که خدمات اجتماعی آن، با وجهه فرهنگی ارائه می شود و اهم وظایف آن برای تحقق اهداف مربوط به موضوع فعالیت بنیاد به شرح زیر می باشد:

الف: در قبال شهادت

۱ - تبیین مفهوم و فلسفه شهادت و ایثار و برنامه ریزی برای گسترش تحقیقات در این زمینه.

۲ - برنامه ریزی و تلاش به منظور احیاء و ترویج فرهنگ شهادت و ایثار و پراکنده کردن عطر شهادت در جامعه به عنوان بالاترین ارزش الهی با بسیج کلیه تشکیلات و امکانات نظام و جامعه اسلامی به ویژه نهادهای فرهنگی، هنری، آموزشی و مطبوعاتی.

۳ - تحقیق و شناسایی عوامل و موجبات تقویت کننده فرهنگ شهادت طلبی و برنامه ریزی در جهت ترویج آنها و کشف موانع و عوامل بازدارنده و تضعیف کننده فرهنگ شهادت و تلاش برای افشا و از بین بردن آنها.

ب: در قبال شهید

تجلیل و تکریم از مقام والای شهدا و زنده نگهداشتن یاد و نام آنان با بسیج امکانات و تشکیلات نظام و جامعه اسلامی، از راههایی همچون:

۱ - معرفی و صایا از طریق آثار فرهنگی، ادبی و هنری و سیره معنوی و فضائل پسندیده آنان و تعبیه جذاب این آثار در صحنه فرهنگ و ادبیات و کتب آموزشی و درسی.

۲ - ایجاد موزه های شاهد به منظور حفظ و نگهداری آثار برجسته آنان.

۳ - برگزاری مراسم سالگرد شهدا با الهام از مکتب عاشورای حسینی.

۴ - برنامه ریزی و تلاش به منظور تحقق بیان عرفانی، الهی حضرت امام خمینی (ره) مبنی بر این که «تربت پاک شهیدان است که تا قیامت مزار عاشقان و عارفان و دل سوختگان و دارالشفای آزادگان خواهد بود.» (۲۲) و تلاش برای حفظ منزلت و محوریت مزار شهدا به عنوان مرکز مراسم مذهبی رسمی و مردمی و حفظ و نگهداری گلزار شهدا با همکاری و مشارکت شهرداری ها و سازمان های ذی ربط.

۵ - آراستن فضای فیزیکی کشور به زینت یاد و نام و چهره و آثار شهدا و نامگذاری معابر، میادین و اماکن دولتی و عمومی به نام آنان.

ج : در قبال خانواده شاهد

۱ - پیگیری امور فرهنگی، تربیتی و آموزشی فرزندان شاهد و زمینه سازی رشد و تعالی روحی، اخلاقی و تخصصی آنها به منظور پذیرش مسئولیت های اجتماعی و به دست گرفتن «امور جامعه» از طریق:

- «تهذیب و کسب معنویت اسلامی» و ارتقاء معرفت دینی و «بهره‌وری استعدادهای الهی» آنان.

- تقویت «اراده» و روحیه «تلاش و مجاهدت» و خوداتکایی در آنان.

- تلاش در جهت ایجاد تسهیلات لازم برای ارتقاء علمی، تحقیقی، آموزشی و مهارتی فرزندان شاهد به منظور حصول به مدارج عالییه تحصیلات و «اداره آنها از کودکان تا دانشگاه به بهترین وجه» با همکاری مراجع ذی ربط.

- تقویت روحیه خدمت مستمر به «اسلام ناب محمدی(ص)» و «حمل بار امانت شهدا».

- تقویت روحیه مبارزه با «کج فکریها، تحجرها و مقدس مآبیها و اسلام آمریکایی و مرفهین بی درد».

۲ - تلاش به منظور بسیج جامعه و نظام اسلامی در مسیر ارج گذاری و تکریم از خانواده های معظم شاهد به عنوان الگوهای متعالی جامعه.

۳ - تلاش مستمر در تحکیم ارتباط معنوی خانواده ها با شهدای گرانقدر انقلاب اسلامی و آرمانهای مقدس آنها و آماده نمودن آنان برای «حمل بار امانت» و پاسداری از «میراث عزت و راه و رسم فداکاری» شهیدان و حضور در صحنه های دفاع از ارزشهای متعالی اسلام. (۲۳)

د : بسیج کلیت نظام و جامعه اسلامی

بنیاد شهید علاوه بر وظائفی که رأساً عهده دار آن است يك نهاد هدایتگر، سیاستگذار، برنامه ریز و نظارت کننده است که وظیفه دارد تمام نظام و جامعه اسلامی را در جهت تحقق اهداف فوق بسیج کند و نباید این رسالت عظیم را در ظرفیت محدود سازمان و نهاد خود محصور و محبوس سازد، زیرا احیای فرهنگ شهادت و ایثار و احیا و بزرگداشت یاد شهیدان و تکریم از خانواده های معظم شاهد و ارائه خدمت به آنان باید تمامی عرصه اجتماع را در برگیرد و تربت پاک و یاد یکایک شهیدان و خانواده های معظم آنها به عنوان گل بوته های معطر بوستان شهادت باید فطرت تمام انسان ها را با عطر شهادت بنوازد و در همان گستره و پراکندگی محل زندگی و کار شهدا در شهر و روستا و کوی و برزن و اداره و کارخانه و ... عطر شهادت پراکنده گردد.

با گسترش و تعمیق این سیاست است که تمامی اجزای نظام و جامعه اسلامی در معرض تأثیر و تأثر متقابل نسبت به شهداء و خانواده های معظم آنان قرار می گیرد که از يك سو جامعه به فرهنگ شهادت و ایثار و شهادت طلبی و شهیدپروری و ارزش گرایی آراسته می شود و از سوی دیگر حق والای شهیدان بر جامعه بیش از پیش نمایان و ادا می گردد و در حقیقت این يك

وظیفه ملی و همگانی است، و بنیاد شهید نقش برنامه ریز و هماهنگ کننده را در این حرکت معنوی و اجتماعی از طرق زیر به عهده دارد:

الف: تلاش در جهت تشویق و ترغیب سازمانهای دولتی و غیردولتی به حضور بیشتر در صحنه ترویج فرهنگ شهادت و ایثار و ارائه خدمات ویژه به خانواده های معظم شاهد و تخصیص اولویت های لازم در این زمینه.

ب: بسیج مسئولین و کارکنان ادارات دولتی و عمومی و امت حزب الله در حفظ ارتباط معنوی و سرکشی به خانواده های شاهد و حضور در مراسم بزرگداشت شهدا.

ج: گسترش ارتباطات بنیاد شهید با نهادهای فرهنگی، آموزشی، اجتماعی و حضور فعال و محسوس فرهنگ شهادت در این صحنه هاو... .

ساختار بنیاد شهید

در راستای تحقق فرامین حضرت امام خمینی (قدس سره الشریف) و با توجه به این رهنمود که فرمودند: «بنیاد شهید از همه بنیادها افضل است. برای اینکه شهید از همه افراد افضل است. خدمت در بنیاد شهید در رأس خدمتهاست»؛ و از آنجایی که افضل خدمتها برای افضل ارزشها جز با افضل نیروها و افضل سازمان ها و تشکیلات امکان پذیر نیست، لذا انتخاب سیاست های کارآمد و نهادی و ارزشی در این زمینه از اهمیت فراوانی برخوردار است.

تحقق فرمان حضرت امام خمینی (ره) در زمینه افضل بودن بنیاد شهید انقلاب اسلامی به نحو چشمگیری منوط به وجود سازمان و تشکیلات مناسب، کارآمد، منسجم و هماهنگ با جامعه تحت پوشش است؛ لذا با تنظیم نمودار کلی «ستاد» و «صف» در چارچوب سیاست های ذیل الذکر شرایط برای انجام وظائف فرهنگی، آموزشی و خدماتی فراهم گردیده است:

الف: اولویت امور فرهنگی در ساختار سازمانی به نحوی که در

حداکثر ممکن نیروها و امکانات در این بخش سازماندهی شوند.
 ب: توزیع امکانات و فرصت‌ها به نحو عادلانه بین واحدها و شعبه‌ها بگونه‌ای که مقادیر قابل محاسبه و مقایسه‌ای به هر یک از آحاد جامعه تحت پوشش برسد.

ج: رعایت ضوابط و سیاست‌های عمومی نظام مقدس جمهوری اسلامی خصوصاً در زمینه تقسیمات کشوری، عدم تمرکز در اجراء، جلوگیری از توسعه بی‌رویه سازمان و نیروی انسانی، رعایت استانداردهای مشاغل اصلی و پشتیبانی و استفاده بهینه از تشکیلات اداری.

د: تأمین شرایط مساعد برای رشد و شکوفایی استعدادها، کارکنان و مشارکت آنان در تصمیم‌گیری‌ها و ارتباطات صحیح اسلامی و ارتقاء بهره‌وری سازمان.

ه: توزیع و عرضه خدمات فرهنگی و اجتماعی در نزدیکترین محل ممکن و محل زندگی خانواده‌های تحت پوشش و مراجعه بنیاد به خانواده‌ها به جای مراجعه خانواده‌ها به بنیاد.

و: رعایت اصول علمی سازمان و تشکیلات به ویژه تقسیم صحیح و متوازن کار، شرایط مساعد سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی و اجرا و رعایت سلسله‌مراتب و تأمین شرایط نظارت و کنترل و ارزیابی.
 ز: علاوه بر تأکید بر نقش و وظایف هر یک از وزارتخانه‌ها و سازمانهای دولتی که عهده‌دار ارائه خدمت به خانواده‌ها هستند، فراهم ساختن امکان مشارکت کلیه سازمان‌ها و نهادهای دولتی و عمومی و امت حزب الله خصوصاً خانواده‌های شاهد در ترویج و توسعه فرهنگ شهادت و ایثار و محور بودن بنیاد شهید در برنامه‌ریزی و هماهنگی و نظارت در این حرکت عمومی.

ح: بهره‌گیری از منابع و امکانات موجود نهاد به نحو مطلوب و صرفاً در جهت انجام وظائف اصلی و قانونی نهاد و اجتناب از درگیر شدن نهاد با هرگونه فعالیت غیرمرتبط و بهره‌مندی از يك ستاد تخصصی محدود با کیفیت و رعایت صرفه‌جویی خصوصاً در امور

مقدمی و سازمانی و سوق دادن بیشترین امکانات به بخش های اصلی فعالیت یعنی ارائه خدمات فرهنگی و اجتماعی به خانواده های شاهد.

روحیه معنوی کارکنان

گزینش و بهسازی نیروها و افزایش مستمر در روحیه معنوی و ارزش گرایی در بنیاد شهید يك سیاست اجتناب ناپذیر است و ركود و رخوت در عشق به فرهنگ شهادت در نیروها و كارگزاران بنیاد شهید مساوی با پوچی و سقوط آنهاست. اگر شرط شاغل بودن در بنیاد شهید داشتن صلاحیت لازم و انگیزه کافی باشد، همچون خدمتگزاری در عتبات مقدسه، باید این شرایط حفظ گردد و اگر کارکنان به كار در بنیاد شهید صرفاً به عنوان يك شغل برای امرار معاش بنگرند، به درجا زدن معنوی و فرسودگی روحی می انجامد، لذا تلاش دائمی برای ارتقاء سطح کیفی کارکنان امری ضروری و لازم است.

قصد تقرب و عبادت در كار

از آنجا که انسان جز برای عبادت خلق نشده (۲۴) و جز به عبادت امر نگردیده است (۲۵) پس هر لحظه و ثانیه از عمر انسان که جز در عبادت باشد خروج از فلسفه وجودی و موجب خسران (۲۶) اوست و چه بسا که خوردن و خوابیدن انسان نیز می تواند در راستای هدف عبودیت حق باشد. انجام وظیفه در هر کجای نظام و جامعه اسلامی می تواند با قصد عبادت انجام شود و خدمت در بنیاد شهید که افضل بنیادهاست و همانند مسجد در مجموعه نظام اداری کشور است، افضل خدمتهاست و این افضلیت، آنگاه به طور کامل محقق می شود که كار با قصد قربت و عبادت حق انجام گیرد.

کارکنان بنیاد شهید باید هر روز صبح روی دل به سوی خدا کنند و با نیت انجام وظایف الهی و خدمت به نظام اسلامی و تحقق اهداف مقدس بنیاد شهید رهسپار محل کار خود شوند و بدین ترتیب تمام

لحظه های روزشان را حتی در حال حرکت و قدم برداشتن به سوی بنیاد، تبدیل به عبادت کنند تا مصداقی از آیه کریمه: «انَّ صَلَاتِي وَ نُسُكِي وَ مَحْيَايَ وَ مَمَاتِي لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ» (۲۷) شوند و عمر فانی و زندگی دنیایی خود را به عالم باقی و حیات جاودانی پیوند زنند و از دنیای زوال پذیر به ملکوت بندگی و رضای خدا و پاداش بی پایان و بهشت جاوید او صعود و عروج کنند. (۲۸)

کارمند بنیاد شهید بر اساس چنین بینش و اعتقادی بنیاد شهید را چون مسجد و کار در بنیاد را عبادت می داند و هر روز مشتاقانه و زودتر از همه به بنیاد می آید و تا آخرین لحظه که کار و توان داشته باشد بدون توجه به پایان وقت اداری برای انجام کار می ماند. هرگز از کار زیاد خسته نمی شود. (۲۹) زیرا که یکی از خواص عبادت و کار کردن برای خدا این است که انسان در این حالت احساس ملالت و خستگی نمی کند و هرچه کار سخت تر باشد آن را افضل می داند. (۳۰) و چون کار افضل، پاداش بیشتر دارد مشتاقانه تر به سوی آن می شتابد (۳۱) و انجام هر وظیفه ای را خیر می داند و بر آن سبقت می گیرد (۳۲) و در انجام هر کار خیری چون موجب مغفرت حق را می جوید با سرعت از دیگران پیشی می گیرد. (۳۳)

تقوا مبنای مسئولیت

از آنجاکه در نظام اسلامی مسئولیت ها و درجات آن بر اساس شایستگی ها و مراتب تقوا بر عهده افراد گذاشته می شود، بنیاد شهید در واگذاری مسئولیت ها علاوه بر شرایط عمومی احراز، مبنای اصلی را تقوا دانسته و احکام صادره را به عنوان عقد و قرارداد مشروط به شرط تقوا اعلام کرده و باتشکیل کمیته انتصابات، متشکل از افراد موثقو متعهد، احراز شرایط قبل از صدور حکم بررسی می شود. بنیاد شهید بر آن است که با جذب و نگهداری عناصر با تقوا و کارآمد در جهت آموزش و رشد

نیروهای سطوح مدیریت اقدام نماید و با لطف الهی به همین مقدار نیز اکتفاء نکرده و باتمام توان در افزایش و شکوفایی هرچه بیشتر تقوا و معنویت و وارستگی و ارزشگرایی کارکنان برنامه ریزی و تلاش کند و بدین گونه طرحی نو را برای مدیریت کشور اسلامی در افضل نهادها پایه گذاری نماید.

لازم به یادآوری است که هر چند مفهوم کلی تقوا يك امر کیفی به شمار می آید اما به دلیل این که آثار عملی آن را پیشوایان معصوم علیهم السلام به طور دقیق بیان کرده اند و این آثار در جزء، جزء اعمال و رفتارهای انسان قابل مشاهده و محاسبه می باشند به خوبی می توان میزان تقوای فرد را با روشهای مناسب مورد ارزیابی قرار داد و به هیچوجه روا نیست که در يك نظام الهی با بهانه کیفی بودن مفهوم تقوا از مهمترین ملاک ارزشیابی و اساسی ترین مبنای شایسته سالاری در مدیریت صرف نظر شود.

دانش کارکنان

کارکنان بنیاد شهید علاوه بر شرایط احراز ویژه در امور معنوی باید به دانش ها و مهارت های مورد نیاز مجهز باشند و با توجه به تغییر شرایط سنی خانواده ها به خصوص در مورد فرزندان و تحولات اجتماعی و فرهنگی که تغییر پی در پی برخی از موضوعات و وظایف را به دنبال دارد، آموزش مستمر و پویایی نیروهای بنیاد به خصوص در حیطه امور فرهنگی و اجتماعی، ضرورت دو چندان می یابد لذا مبتنی بر سیاست حفظ و ارتقاء کیفی نیروهای موجود، همپای با تحولات و جابه جایی تراکم وظایف در نقاط جدید، ایجاب می کند که آموزش ضمن خدمت در رشته های مورد نیاز برنامه ریزی و اجرا شود.

صرفه جویی در هزینه های سازمانی

پیامبر اکرم (ص) هزینه کم و بازدهی زیاد را از نشانه های ایمان

برشمرده است: «المؤمن ... قليل المؤنة، كثير المعونه» (۳۴) و همچنین حضرت امیرالمومنین (ع) در زمینه صرفه جویی در بیت المال با ذکر ریزترین مصادیق در مورد مکاتبات اداری خطاب به کارگزاران و مسئولان ذی ربط این دستورالعمل را صادر کرده است: «ادقوا اقلامکم و قاربوا بین سطورکم و احذفوا فضولکم و اقصدا قصد المعانی و ایاکم و الا کثار فان اموال المسلمین لا تحتمل الاضرار» (۳۵)

۱ - نوك قلمهايتان را نازك كنيد. ۲ - سطرها را به هم نزديك سازيد. ۳ - حرف ها و الفاظ زايد را حذف نماييد. ۴ - در آوردن معانی میانه روی کنید. ۵ - بطور کلی از زیاده روی بر حذر باشید زیرا زیان رساندن به اموال مردم قابل تحمل نیست!

تأکید روی قلم، سطرها، الفاظ و معانی با صیغه «امر» به منظور صرفه جویی در مرکب و کاغذ که صرفه جویی در وقت نویسنده و خواننده را نیز در پی دارد و در پایان سخن بر حذر داشتن کلی از زیاده روی و غیر قابل تحمل دانستن زیان رساندن به اموال عمومی، علاوه بر آن که وجوب صرفه جویی و حرمت زیاده روی در مصرف بیت المال را در جزیی ترین و ریزترین مصادیق آن تبیین می کند، به طریق اولی و به طور مؤکدتر موارد بزرگتر و آشکارتر از زیان رساندن به بیت المال را در برمی گیرد و آن گاه که در استفاده از يك برگ کاغذ در نگاشتن يك نامه اداری چنین دقتی واجب و ترك آن حرام است به طور مسلم هرز دادن امکانات و بودجه های سنگین بیت المال بابت امور زائد و غیر ضروری را هیچکس نمی تواند در پیشگاه عدل الهی پاسخگو باشد.

با تجمیع دو حدیث فوق، درمی یابیم که يك سازمان در صورتی با معیارهای اسلامی انطباق دارد که در زمینه هزینه های خود، حداکثر صرفه جویی را داشته باشد. در راستای این مقصد، و با این فرض که بنیاد شهید برای تحقق هدفی، خارج از وجود خود تأسیس

یافته است لذا تشکیلات بنیاد به عنوان «مقدمه» و هدف و مقصد آن به عنوان «ذی المقدمه» منظور گردیده است. در داخل تشکیلات بنیاد شهید نیز به نوبه خود، بخشهای پشتیبانی به عنوان «مقدمه» و بخشهای فرهنگی و تعاون که به طور مستقیم در کار خدمت رسانی به خانواده شهداء می باشند به عنوان «ذی المقدمه» ملحوظ شده است.

از سوی دیگر با ملاحظه محدودیت منابع و این که هر مقدار از این منابع محدود، در يك بخش هزینه شود به همان نسبت از بخش دیگر کاسته می شود. رعایت اولویت ها و التزام به اصل عقلی تقدم اهم بر مهم رخ می نماید و به این ترتیب می بایستی هزینه در بخش «مقدمه» که البته مهم است در حد ضرورت های اجتناب ناپذیر بسنده شود و طبعاً در اموری مانند ساختمانهای اداری، آب، برق، تلفن، وسایل نقلیه و... حداکثر صرفه جویی به عمل آید تا هر چه بیشتر منابع موجود به قلمرو «ذی المقدمه» که اهم است و اصولاً سازمان به خاطر آن شکل گرفته است تخصیص یابد و نیازهای این بخش برآورده شود. همچنین در داخل تشکیلات، بخشهای پشتیبانی در حد ضرورت کاهش یافته و بخشهای فرهنگی، مددکاری و خدمت رسانی به خانواده ها برحسب نیاز افزایش یابد.

نظارت و ارزشیابی

رعایت اصول و مبانی نظم و استمرار برنامه ها و فعالیت ها منوط به وجود يك نظام دقیق و کارآمد نظارت، کنترل و ارزشیابی است و از آنجا که طبق فرموده قرآن کریم: «همواره شیطان در کمین راهیان صراط مستقیم است»، (۳۶) کارکنان بنیاد شهید برای مصونیت از دسائس و وسوسه های شیطانی باید از خود و محیط کار بطور مستمر مراقبت نمایند و سیاست بنیاد در این زمینه عبارتست از:

الف: تلاش مستمر برای تقویت روحیه عبودیت حق و یاد خدا و تعریف دقیق اهداف، قوانین، ضوابط و مقررات و توجیه و آموزش

كاركنان.

ب : نظارت مستمر بر عملکرد واحدها و كار اعضاء از طريق واحدهای نظارتی.

ج : ارزشیابی عملکرد واحدها و تعیین نقاط قوت و ضعف.

د : بکارگیری سیستم تشویق و تنبیه برای توسعه اقدامات و فعالیت های مثبت کارگزاران و رفع و حذف اقدامات غیرمنطبق با اهداف، وظایف و برنامه ها.

سیاست ها و راهبردها در ارائه خدمات

بخش چهارم:

سیاست ها و راهبردها در ارائه خدمات

چگونگی ارائه خدمات

حضرت امیرالمومنین علیه السلام در نامه خویش به مالک اشتر نسبت به خانواده شهدا چنین فرموده است: «وَإِنْ اسْتَشْهَدَ أَحَدٌ مِنْ جُنُودِكَ وَ أَهْلَ النَّكَايَةِ فِي عَدُوِّكَ فَأَخْلَفَهُ فِي عِيَالِهِ بِهَا يَخْلَفُ بِهِ الْوَصِيُّ الشَّفِيقُ الْمُؤْتَقُ بِهِ حَتَّى لَا يُرَى عَلَيْهِمْ أَنْرُ فَقْدِهِ» (۳۷)

«اگر یکی از سربازانت و آنها که با دشمنان تو مبارزه می کنند به شهادت رسید، پس تو همچون يك وصی دلسوز و قابل اعتماد جای او را در خانواده اش پر کن آنچنان که نمودی از فقدان شهید در چهره آنها دیده نشود!»

در این سخن کوتاه اما جامع بعد از اشاره به ملاک شهادت بر وظیفه خطیر نظام اسلام در قبال عیال شهید تأکید کرده است و متکفل این وظیفه را به عنوان جانشین شهید و به منزله وصی ای که باید از دو ویژگی شفقت و وثاقت برخوردار باشد معرفی فرموده است. دو ویژگی و صفتی که با آنها جانشینی شهید مصداق می یابد و به وسیله آنها است که تا حد زیادی می توان آثار فقدان شهید را از سیمای زندگی و چهره خانواده شهید برطرف کرد.

بر این اساس آن بخش از بنیاد شهید که متکفل این امر مهم می باشد از موضع دلسوزی مهربان و معتمدی امانت دار در مقام سیاست گذاری، برنامه ریزی و اجراء به بهترین وجه ممکن از سوی نظام اسلامی نقش خود را در خدمت به خانواده شهید ایفاء نماید.

دلسوزی و امانتداری ایجاب می نماید که در ارائه «خدمت» قبل از هر چیز کیفیت و چگونگی آن مدنظر قرار گیرد تا نتیجه مطلوب

حاصل شود زیرا ارائه خدمات به ویژه در مورد خانواده شهید هنگامی مطلوب و ارزشمند است که در راستای حفظ کرامت، عزت نفس، شخصیت و منزلت انسانی آنها باشد.

از طرف دیگر وقتی واژه «خدمت» بکار گرفته می شود، به طور طبیعی آن کس که «خدمت» را ارائه می دهد خادم و آن کس که «خدمت» را دریافت می کند «مخدوم» به حساب می آید و به این ترتیب باید چگونگی ارتباط بین خادم و مخدوم تبیین و ترسیم گردد تا امکان ارائه خدمت توأم با حفظ منزلت و شخصیت خانواده شهید فراهم شود. اگر بنیاد شهید را خادم و خانواده شهید را مخدوم بدانیم با کدام توجیهی باید خادم پشت میز اداره بنشیند و مخدوم برای دریافت خدمتی که انجام آن، وظیفه قطعی خادم است از راههای دور و نزدیک با تحمل مشقت و هزینه به اداره مراجعه کند و بعد از انتظار نوبت و رخصت، از آن سوی میز لب به درخواست گشاید؟!

در جایی که این رابطه، رابطه خادم و مخدومی نیست، بلکه رابطه دو برادر دینی هم شأن و هم سطح مطرح باشد، اسلام بر اقدام اداء حاجت قبل از ابراز درخواست تأکید کرده است. پس به طریق اولی تکلیف خادم نسبت به مخدوم معلوم می شود. به چند نمونه از احادیث در این زمینه دقت شود:

۱ - حضرت امام جعفر صادق علیه السلام در ضمن حدیثی در بیان حقوق واجب و مهم برادری بین دو مسلمان چنین می فرماید: «... و اذا علمت ان له حاجة، تبادره الی قضائها و لا تلجئ الی ان یسألکها و لکن تبادره مبادرة...» (۳۸)

... و هرگاه فهمیدی که برادر مسلمانان حاجتی دارد، لازم است (حقوق برادری ایجاب می کند) که برای برطرف کردن آن، شتاب و پیشدستی کنی و او را ناچار نسازی تا نزد تو لب به خواهش و سؤال گشاید بلکه تو باید زودتر به یاری او مبادرت ورزی....

۲ - حضرت امام صادق علیه السلام در حدیثی دیگر می فرماید: «المعروف ابتداءً و اما من اعطیته بعد المساله فانما کافیته بما بذل لك

من ماء وجهه...» (۳۹)

کار نیک، پیشدستی - در دستگیری نیازمند - است اما آنچه بعد از اظهار سوال می دهی فقط در ازاء آبرویی است که در پیش تو از دست داده است.

۳ - در روایتی دیگر امام صادق علیه السلام می فرماید: «جزی الله المعروف اذا لم یکن یبدأ عن مسالة فاما اذا اتاك اخوك فی حاجة کاد یری دمه فی وجهه مخاطراً لا یدری اتعطیه ام تمنعه فوالله ثمّ والله لو خرجت له من جمیع ما تملکه ما کافیته» (۴۰)

پاداش کار نیک را خداوند آنگاه می دهد که قبل از اظهار درخواست پیشدستی شود. اما آنگاه که برادر دینی ات برای حاجتش نزد تو مراجعه کند در حالی که چهره اش از خجالت سرخ و خونریز شده، خود را در خطری می بیند که نمی داند به خواسته اش پاسخ مثبت می دهی یا منفی. پس به خدا قسم! در این حالت به خدا قسم! اگر تمام مایملک خود را به پای او بریزی هرگز کاری در خور نکرده ای!

گوئی دلیل بی ارزش بودن اداء حاجت برادر دینی بعد از اظهار حاجت و درخواست از طرف او این است که امام صادق علیه السلام در حدیثی دیگر بیان فرموده است: «طلب الحوائج الی الناس استلاب للعزّ و مذهبة للحیاء» (۴۱)

درخواست حاجت از مردم عزت را سلب می کند و حیا را از بین می برد!

دست طلب چو پیش کسی می کنی دراز

پل بسته ای که بگذری از آب روی خویش! (۴۲)

باتوجه به این که عزت و حیا از صفات نفس ملکوتی و مقومات کرامت انسان است و اصولاً ارزش نفس ملکوتی و کرامت و عزت آن، در برابر تمام عالم طبیعت و ثروت ها و سرمایه های مادی با هیچ ترازویی قابل سنجش و مقایسه نیستند، آیا بر فرض امکان اگر تمام ثروت های عالم مادی را در ازاء آبرو و عزت از دست رفته به

برادر دینی مان بدهیم می توانیم ادعا کنیم که عطایی در خور و کاری شایسته انجام داده ایم؟!!

در روایات اشاره شده، سخن از حاجتمندی است که برادر متمکن او باید قبل از درخواست، حاجت او را اداء کند، اما در مورد خانواده شهید مساله فراتر از این است. بنیاد شهید يك فرد متمکن نیست که می خواهد از جیب خود انفاق کند بلکه مستخدم وظیفه مندی است که خود حقوق می گیرد تا آنچه را که نظام مقرر کرده اداء کند. خانواده شهید نیز کسی نیست که از منظر يك فقیر حاجتمند به او نگاه شود بلکه ولی نعمت و صاحب حق و مخدومی است که حقوق مسلم او به عنوان يك تکلیف و اجب قانونی باید به او تقدیم شود. با این فرض پیشدستی در انجام کارهایی که مقرر است برای خانواده شهید انجام شود به طریق اولی مطلوب بلکه واجب است.

راقم این سطور در جزوه «سیاست ها و راهبردها در بنیاد شهید انقلاب اسلامی»، با فرض رابطه خادم و مخدومی بین بنیاد شهید و خانواده شهید، شقوق پیشدستی و مراجعه هر يك از دو طرف را به یکدیگر برای تقدیم یا دریافت خدمات فرهنگی یا معیشتی در نگاره ذیل ترسیم و ارزیابی نموده و در اینجا به تشریح بیشتر حالات چهارگانه این رابطه پرداخته می شود.

فرهنگی

بنیاد	مطلوب	مطلوب متعالی	خانواده شهید
			شهید
	حالت (۲)	حالت (۱)	
	نامطلوب	مطلوب	
	حالت (۴)	حالت (۳)	
			معیشتی

حالت اول: مطلوب متعالی

حالتی است که بنیاد شهید برای عرض ارادت و کسب معنویت و استشمام عطر شهادت به سرای شهید و خانواده شهید تشریف یابد. سرا و منزلی که شرافتی برجسته و انتسابی ویژه به خداوند متعال دارد. خانه و مقامی که یادآور شهید و محل زندگی اهل شهید است و طبق حدیث منقول از پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم، خداوند درباره آنان فرموده است:

«... انا خلیفته فی اهلہ و من ارضاهم فقد ارضانی و من اسخطهم فقد اسخطنی» (۴۳)

من جانشین شهید در اهل بیت شهید هستم هر کس آنان را خشنود کند مرا خشنود کرده و هر کس آنان را ناراحت کند مرا ناراحت کرده است.

هر چند تمام مردم، بندگان خدا و تمام مکان‌ها متعلق به خداست و عالم محضر او است اما افرادی خاص مانند انبیاء و اوصیاء و اولیاء و نیز مکانهایی خاص مانند مساجد و عتبات عالیات به لحاظ قرب و انتساب ویژه ای که به خداوند متعال دارند و مورد عنایت خاص حضرت حق می‌باشند، دارای قداست و شرافت و جاذبه ای ممتاز و قدرت تأثیرگذاری ویژه ای هستند که دیگران می‌توانند از آن بهره‌مند شوند و از مجرای آنها به پیشگاه خداوند راه یابند. شهید،

خانواده شهید، خانه شهید، مزار شهید، مقتل شهید و تربت آن نیز به دلیل ارتباط و انتساب ویژه ای که به خداوند دارند مشابه همان ظرفیت و کشش را دارا می باشند.

امام خمینی درباره مزار شهیدان چنین می فرماید: «همین تربت پاک شهیدان است که تا قیامت مزار عاشقان و عارفان و دلسوختگان و دارالشفای آزادگان خواهد بود.» (۴۴)

با این نگرش و براساس همین سخن قدسی که خداوند بطور ویژه، خود جانشینی شهید را در خانواده شهید به عهده گرفته و عنایت خاص حضرتش نسبت به خانه و خانواده شهید است که با تشرف به خانه شهید و زیارت خانواده شهید شبیه همان احساس به انسان دست می دهد که در تشرف به خانه خدا و عتبات و حریمهای مطهر اولیاء خدا حاصل می شود. گرچه در آغاز این راه گمان می شود که می رویم تا خانواده شهید را تکریم و تجلیل کنیم، روحیه بدهیم و آرامش بخشیم اما در نهایت راه، مخصوصاً در مورد خانواده هایی که به راستی اهل شهید و فرهنگ شهادت هستند، این گمان در جهت عکس به یقین تبدیل می شود، زیرا بسیاری از آنان در مرتبتی از کرامت، جلالت و آرامش روحی هستند که با تشرف به محضر الهی شان و مجالست با آنان به خوبی درمی یابیم که ما کجا و تکریم و تجلیل و روحیه بخشیدن به آنان کجا؟ بلکه برعکس این ما هستیم که از ایشان، کرامت، جلالت، روحیه و آرامش می گیریم.

مقام معظم رهبری (مدظله) که خود امام و پیشرو در این راه الهی است چه در زمان تصدی ریاست جمهوری و چه در دوران رهبری، علی رغم تمام مسئولیت های سنگین همواره و بطور هفتگی به دور از اخبار و آخبار به زیارت خانواده شهدا می روند، به اینجانب می فرمودند: «این کار قبل از هر چیز بخاطر نیاز و بهره گرفتن خودم می باشد.» (۴۵)

در این دیدارها مسئولان بنیاد شهید بطور ضمنی و غیرمستقیم از وضعیت خانواده اطلاعات مورد نظر را تحصیل و در چارچوب

امکانات و ضوابط پیگیری لازم را به عمل می آورند؛ گو این که خانواده ها عموماً در کمال ساده زیستی و مناعت و عزت نفس هستند و بسیاری از آنها به راستی مصداق این عبارت قرآن می باشند که: «یحسبهم الجاهل اغنیاء من التّعفف» (۴۶)

افراد بی اطلاع، آنان را از شدت پرده پوشی اغنیاء می پندارند!

حالت ۲: مطلوب

حالتی است که خانواده شهید به منظور پیگیری امور فرهنگی و آموزشی و ارزشی به بنیاد شهید مراجعه می کند. هر چند در پیگیری این امور کمال مطلوب یا مطلوب متعالی همان حالت اول است اما به لحاظ این که در پیگیری این امور معمولاً مذلتی نیست و خانواده شهدا خود پیشتر از این قلمرو هستند و بیش از هر کسی خود را در پیشبرد این امور مسئول می دانند، مراجعه آنها به بنیاد شهید نوعی مشارکت و تعاون در این زمینه مهم محسوب می شود.

حالت ۳: مطلوب

حالتی است که بنیاد شهید به منظور به دست آوردن اطلاعات از وضعیت معیشتی و احياناً تقدیم خدمات مقرر به خانواده شهید مراجعه می کند. بخش زیادی از وظائف بنیاد شهید مربوط به این حالت است و تحقق این مطلوب باعث می شود که حالت چهارم که نامطلوب است اتفاق نیفتد و نکته مهمی که در روایات مزبور یعنی پیشدستی در ارائه خدمات روی آن تأکید شده است محقق شود. در این حالت مراجعه به طور عمده در قالب سیستم مددکاری در مورد همسران و فرزندان شهداء انجام می یابد. در عین حال سعی می شود این دیدارها نیز با وجهه حالت اول و صبغه فرهنگی انجام گیرد و به همین دلیل اداره کل مددکاری و مشاوره برخلاف روال معمول که باید در حوزه معاونت تعاون - که مسئولیت امور معیشتی و تسهیلات خانواده ها را بر عهده دارد - در حوزه معاونت فرهنگی بنیاد شهید قرار گرفته است و مددکاران به منظور حفظ عزت نفس و کرامت

خانواده ها به طور غیرمستقیم و ضمن طرح و بررسی مسائل فرهنگی، از جنبه های معیشتی و رفاهی آنان کسب اطلاع می کنند و برای پیگیری به واحدهای ذی ربط گزارش می دهند.

حالت ۴: نامطلوب

حالتی است که خانواده شهید برای پیگیری و دریافت نیازهای معیشتی خود به بنیاد شهید مراجعه می کند. در این حالت اگر مراجعه برای دریافت خدماتی باشد که ارائه آن از وظایف بنیاد شهید است و در برنامه و بودجه آن پیش بینی شده است چرا نباید به هنگام و با سهل الوصول ترین وجه ممکن در اختیار خانواده قرار گیرد، تا خانواده مجبور نباشد برای دریافت آن به بنیاد شهید مراجعه کند؟ در این صورت اگر نگوئیم نفس مراجعه مخدوم به خادم برای دریافت خدمات معیشتی - ولو حق مسلم او باشد - شخصیت و حرمت انسانی را مخدوش می کند، که چنین مطلبی نامطلوب است، قابل انکار نیست که تحمل خسارت های مادی و رنج و هزینه سفر و اتلاف وقت مراجعه کننده برای رسیدن به حق مسلم اش نمی تواند امر مطلوبی باشد!

اما در صورتی که مراجعه برای درخواستی باشد که پاسخ مثبت به آن از عهده و توان بنیاد شهید خارج باشد و خانواده بعد از تحمل تمام هزینه ها و صرف وقت و پشت سر گذاشتن این اتاق و آن اتاق در شهرستان، مرکز استان و بنیاد مرکز و اظهار حاجت نزد افراد گوناگون در هر مرحله و در نهایت جواب منفی دریافت کند، بدترین حالت و تلخ ترین وضعیت برای خانواده و بنیاد شهید اتفاق می افتد!

در مورد خانواده، هم کرامت انسانی و هم شأن ویژه خانواده شهید بودن به شدت آسیب می بیند (صرف نظر از این که پاسخ مثبت باشد یا منفی) و به فرموده امام صادق علیه السلام: «طلب الحوائج الی الناس استلاب للعزّ و مذهبة للحیاء» (۴۷)

درخواست حاجت از مردم، عزت را می رباید و حیاء را از بین

می برد.

و حضرت اميرالمومنين على عليه السلام فرمود: «من احتجت اليه هنت عليه» (۴۸)

به هر کسی محتاج شدی نزد او موهون شوی.

در مورد بنياد شهيد و کارکنان آن نیز حالتی بدتر از این متصور نیست که مخدومش به او مراجعه کند و اظهار حاجت نماید و بنياد شهيد نتواند پاسخ مثبت دهد. تکرار این وضعیت چهره ای ناپسند از بنياد شهيد نزد خانواده ها و جامعه ترسیم می کند و کارکنان بنياد شهيد در مواجهه مکرر با چنین صحنه هایی در درازمدت یا دچار بی تفاوتی و بی احساسی و احياناً فرار از برخورد با مراجعه کننده می شود و یا گرفتار بی حوصلگی و حالت عصبی و پرخاشگری در برخورد با آنان می گردد و در هر دو حالت نسبت به شغل خود احساس دلسردی و نارضایتی می نماید.

محصول چنین حالتی در کارکنان بنياد شهيد از يك سو و مراجعه کننده نیازمندی که با توقع آرزوی رفع مشکل خود، علاوه بر وضعیت روحی ناشی از گرفتاری زندگی، باتحمل رنج ها و هزینه ها و پشت سر گذاشتن سختی ها و درخواستهای مکرر در سلسله مراتب اداری و در نهایت پاسخ منفی شنیدن از سوی دیگر، چیزی جز نارضایتی و تنش بین طرفین نخواهد بود.

ممکن است گفته شود برای این موارد خاص، بصورت استثنا بودجه ای منظور و برای حل مشکلات آنان اقدام گردد اما به نظر می رسد اگر چنین روشی به کار گرفته شود اولاً در درازمدت این استثنا می تواند با تکرار و تسری و توسعه به يك قاعده تبدیل گردد ثانیاً بین این نوع مراجعه کنندگان با انبوه خانواده هایی که نمی توانند یا نمی خواهند در چنین راهی قدم گذارند تبعیضی آشکار اعمال شود، ضمن آن که فرض مورد بحث مربوط به مشکلاتی است که حل آنها از حوزه وظایف و توان بنياد بطور عام خارج است.

با توجه به آنچه گفته شد، ضرورت پیشدستی در ارائه خدمات و

برنامه ریزی جامعی که نیاز به مراجعه خانواده شهید به بنیاد شهید را برای دریافت خدمات معیشتی منتفی سازد تا حدی روشن گردید. برای رسیدن به این مقصد، تحقق اموری که به نوبه خود ارزشمند و ضروری است، اجتناب ناپذیر می نماید؛ که در اینجا اهم مواردی که مورد توجه و اقدام قرار گرفته است به اختصار ذکر می شود.

تعریف مصادیق شهید

اولین مساله ای که باید برای نظام، جامعه و بنیاد مشخص و روشن باشد تعریف واضح و قانونمند از مفهوم و مصداق شهید است. به هر حال افرادی در حوادث و در حین انجام وظیفه جان به جان آفرین تسلیم می کنند و از آنجا که شهادت نوع خاصی از جان دادن است اگر مفهوماً و مصداقاً مشخص نشود، از همین نقطه بسیاری از مراجعات و مشکلات آغاز می شود. گاهی تحت فشار یا اعمال سلیقه پرونده ای به عنوان شهید برای جان باخته ای تشکیل شده و بعد از مدتی به دلایل دیگری پرونده مسدود گردیده است و دوباره بازماندگان گرفتار مصیبت شده اند و بعد از آن که مدتی در جامعه به عنوان خانواده شهید معرفی و تا حدی مصیبت فقدان عزیزشان تسلی می یابد این بار داغ از دست دادن عزیز با سلب عنوان شهید و خانواده شهید از آنان، تازه شده و از نظر اجتماعی احساس انکسار و از جهت معیشتی خود را در تنگنا می یابند چنین وضعیتی می تواند همواره منشأ بخشی از مراجعات و تنش ها قرار گیرد.

علاوه بر این، وجود قوانین ناهماهنگ و ناهمگونی که به طور گسسته در ضمن قوانین مربوط به دستگاههای مختلف مانند: ارتش، سپاه، نیروی انتظامی، اطلاعات و... به تصویب رسیده بر این مشکل افزوده است و همواره منشأ اختلاف بین این دستگاه ها و بنیاد شهید بوده و در این میان خانواده های مربوطه، آسیب دیده و گرفتار مراجعات بی فرجام بوده اند.

در این زمینه بنیاد شهید آیین نامه جامعی را تهیه و به اجراء

گذارده است و همچنین به جهت اهمیت موضوع و برای آن که سایر دستگاه‌ها نیز ملتزم و هماهنگ شوند، در اساسنامه بنیاد شهید ضمن تعریف شهید، چگونگی تهیه و تصویب ضوابط تعیین مصادیق شهید گنجانده شده است. (۴۹)

اعضای تحت پوشش

به لحاظ ارزشی و عرفی، خانواده شهید می‌تواند به نوعی مشتمل بر عموم وابستگان شهید باشد اما از جهت قرار گرفتن تحت پوشش خدماتی بنیاد شهید، لازم است دقیقاً اعضاء خانواده شهید تعریف شده و مشخص باشد. زیرا نامشخص بودن افراد تحت پوشش می‌تواند مراجعات و توقعاتی را برای برخی از منسوبین باعث گردد.

افراد تحت پوشش عبارتند از: فرزندان، همسران و والدین شاهد و در مواردی خاص که قانون تصریح کرده است برادران و خواهران شهید را نیز شامل می‌شود. (۵۰)

تعیین انواع خدمات و محدوده وظایف

تعریف و تعیین انواع و محدوده خدماتی که برای هر یک از افراد تحت پوشش باید ارائه شود، یک ضرورت قطعی است. وظایف و خدمات تعریف نشده و شناور ضمن آن که امکان سازماندهی تشکیلات، برنامه و بودجه و اجراء را سلب می‌کند، باعث سردرگمی خانواده‌ها، کارکنان بنیاد و سایر دستگاه‌ها و مسئولینی که گاهی پیگیر مشکلات خانواده‌ها هستند می‌شود.

نتیجه نامشخص بودن محدوده خدمات این است که از یک سو در مقام تأمین بودجه، دستگاه‌های ذی ربط مانند سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور به حداقل‌ها اکتفاء می‌کنند تا آنجا که گاهی بنیاد شهید حتی در پرداخت حقوق و مستمری خانواده‌ها دچار مشکل می‌شود و از سوی دیگر جامعه و مسئولین در مقام اجراء حداکثر وظایف را برای بنیاد شهید قائل بوده و توقعاتی فراتر از امکانات نهاد را القاء می‌کنند.

بخش عمده مراجعات خانواده های شاهد به بنیاد شهید ناشی از وجود همین ابهام یا اختلاف نظر در مورد وظایف بنیاد شهید بوده است. هر چند اکنون می توان ادعا کرد تمام وظایف فرهنگی، آموزشی، معیشتی و... مربوط به والدین، همسر و فرزندان برحسب امکانات موجود در چارچوب برنامه های مشخص و براساس سیاست ها و اهداف مدون، تعریف و تعیین گردیده و در حال اجراء می باشد. اما هنوز تا رسیدن به يك نقطه نظر مشترك و مورد اتفاق بین خانواده شهدا، جامعه و دستگاههای ذی ربط در نظام و انطباق امکانات با انتظارات راهی طولانی در پیش است و امید می رود بخش عمده این راه با توجه به تصویب اساسنامه بنیاد شهید و پیگیریهای بعدی پیموده شود و با رسیدن دولت و ملت به نقطه همسوئی و همدلی در مسائل اقتصادی و دستیابی به مرحله تطابق تمکن و توقع بین دولت و ملت تکمیل گردد.

قانونمندی و عدالت

بی قانونی و عدم ضابطه مندی و بی عدالتی در ارائه خدمات ضمن آن که خلاف شرع و عقل است و موجب تضییع حقوق افراد منیع النفس و ناتوان می شود، گروهی را نیز به انگیزه احقاق حق یا زیاده طلبی به مراجعه و اصرار و التماس یا تقابل وامی دارد و باعث پی آمدهای زیانباری برای مراجعه کنندگان و مراجعه شوندگان می شود. اما در مقابل آن قانونمندی و عدالت در ارائه خدمات و انجام وظایف و پایداری بر آن، بهترین زمینه را برای اطمینان خاطر گیرندگان خدمت فراهم می سازد و خدمت گیرندگان دیگران تدریجاً درمی یابند که مراجعه و عدم مراجعه و اصرار، التماس، وساطت و... تأثیری در تحقق آنچه باید انجام گیرد ندارد و آن کس که مراجعه و اصرار کند به چیزی فراتر از ضوابط و مقررات عادلانه دست نمی یابد و با مراجعه نکردن نیز هیچ حقی از آنها ضایع نمی گردد.

با همین نگرش، بنیاد شهید تلاش می کند ضمن جلب و جذب حداکثر امکانات و منابع در چارچوب مقدرات کشور تمام خدمات صرفاً بر اساس ضوابط و مقررات عادلانه در سطح کشور توزیع و ارائه شود و هم اکنون ادعا بر آن است که در بنیاد شهید تمام کارها و فعالیت ها در چارچوب برنامه های مصوب انجام می گیرد.

همچنین تمام برنامه ها بر اساس سیاست ها و سیاست ها نیز بر مبنای اهداف شکل گرفته است. برای رسیدن به وضعیت فوق اقدامات فراوانی به عمل آمده است که اهم آنها عبارت است از:

تدوین پیش نویس اساسنامه بنیاد شهید و پیگیری جدی برای تصویب آن که بعد از طی مراحل، از طریق دولت به مجلس شورای اسلامی ارائه شد و بعد از تصویب و تأیید شورای نگهبان، سرانجام توسط رئیس جمهور محترم ابلاغ گردید و بدین ترتیب فرامین و دیدگاههای امام راحل (س) و مقام معظم رهبری (مدظله) و نظام جمهوری اسلامی در قالب قانون رسمی کشور تثبیت گردید و اهداف و وظایف این نهاد و جایگاه آن در نظام اداری کشور ترسیم شد و زمینه برای قانونمندتر نمودن نهاد و اصلاح روابط آن با سایر سازمان ها فراهم گردید.

همزمان با پیگیری اساسنامه و متناسب با محتوای قابل پیش بینی آن، سیاست ها و راهبردهای نهاد تدوین گردید و بر اساس آن تمام وظایف احصاء و مشخص شد.

آمار و اطلاعات دقیق از والدین، همسران و فرزندان و شرایط و خصوصیات تک تک آنان تا آنجا که پیش بینی می شد برای تصمیم گیری ها و برنامه ریزی ها مورد نیاز است فراهم گردید و با استفاده از سیستم رایانه ای و پردازش اطلاعات زمینه برای اقدامات متناسب مهیا شد.

بر اساس سیاست ها و راهبردهای تعیین شده، وظایف مورد نظر در قالب برنامه ها و متناسب با امکانات فراهم آمده و نیازها و اولویت ها و فوریت ها یکی پس از دیگری تهیه و به اجرا در آمد.

توجه به خوداتکایی در ارائه خدمات

حفظ و تعمیق روحیه خوداتکایی در خانواده های شاهد از مسائل مهمی است که در چگونگی ارائه خدمات و تنظیم ضوابط و برنامه ها همواره مورد توجه قرار گرفته و تلاش شده تمام خدمات فرهنگی، آموزشی و معیشتی باتوجه به این سیاست سامان یابد. واضح است که هرچه روحیه خوداتکایی بیشتر شود، زمینه مراجعه و اتکال به غیر به ویژه آنگاه که نیازهای ضروری و اضطراری بطور سالم تأمین شده باشد، کاهش می یابد.

توجه به سیاست خوداتکایی به طور اخص در مورد امور فرهنگی و آموزشی فرزندان از اهمیت بیشتری برخوردار است و بدیهی است که صعود به مراتب بالای علمی و معنوی بدون خودباوری و اتکاء به نفس و تلاش مجدانه فرزندان امکان پذیر نیست و هرگونه ارفاق بی جا و حساب نشده که رخوت و تنبلی آنان را در پی داشته باشد، جفای به آنان محسوب خواهد شد.

امام راحل در این زمینه خطاب به فرزندان معزز شاهد می فرماید:

«کارنامه نورانی شهادت و جانبازی عزیزان شما گواه صادقی بر کسب بالاترین امتیازات و مدارج تحصیل معنوی آنان است که با مهر رضایت خدا امضاء شده است و اما کارنامه شما در گرو تلاش و مجاهدت شماست. زندگی در دنیای امروز زندگی در مدرسه اراده است؛ و سعادت و شقاوت هر انسانی به اراده همان انسان رقم می خورد.» (۵۱)

و بدینسان مرزبندی بین فراهم کردن امکانات برای رشد و شکوفایی استعداد فرزندان با تسهیلات و امتیازات بی جا و حساب نشده ای که موجب نقض غرض و ضعف اراده و کاهلی آنان می شود، مورد توجه قرار گرفته است.

در زمینه امور معیشتی نیز همواره بر حفظ و ارستگی و روحیه

قناعت و اجتناب از مصرف گرایی تأکید می شود و اگر علاوه بر مستمری و مزایای قانونی و معمول، ضرورت و امکان کمک فوق العاده پیش آمد، بجای کمکهای بلاعوض که ممکن است موجب خدشه وارد شدن به عزت نفس آنان شود و پی آمدهای منفی در پی داشته باشد، از سنت حسنه و ام با تسهیلات مناسب استفاده می شود که حضرت امام خمینی (س) در رابطه با مزایای قرض الحسنه چنین فرموده اند: «شاید یکی از نکته هایش هم (فوائد قرض الحسنه) این باشد که در قرض الحسنه فعالیت دنبالش هست، در پول دادن مجانی، شاید گدا درست کردن باشد... آن کسی که قرض می کند و موظف است که بدهد این به فعالیت می افتد که در وقت خودش بتواند قرضش را اداء کند و با مازادی که پیدا کرده است ادامه بدهد به کار خودش.» (۵۲)

زندگی در متن جامعه

خانواده های شهداء و یادگاران شاهد، گلهای بوستان شهادت و ایثارند که حضور با طراوتشان در گستره جامعه اسلامی می تواند فضای جان و دل مردم را از عطر شهادت و ایثار معطر سازد و بهترین زمینه برای تحقق این مقصد آن است که همسر و فرزندان شهید در محله و منطقه خانوادگی خویش به زندگی خود ادامه دهند و حتی الامکان از محارم و نزدیکانشان جدا نشوند. در این صورت: اولاً در سایه روابط عاطفی و طبیعی خویشاوندان تا حد زیادی وضعیت روحی آنان ترمیم یافته و زمینه طراوت متناسب با جایگاه معنوی آنان فراهم تر می سازد، همانگونه که طراوت شاخه گل به حفظ و استمرار پیوند با بوته و ریشه طبیعی اش بستگی دارد. ثانیاً، خانواده از مراقبت و حمایت نزدیکان و محارم خویش بهره مند می گردند و بدیهی است که هیچ چشمی پاک تر از چشم والدین شهید، والدین همسر شهید و سایر بستگانی که خداوند عالم آنها را محرم قرار داده است، برای نظارت و هیچ دستی امین تر و

مهربان تر از دست محارم برای حمایت و نوازش فرزندان و ناموس شهید یافت نمی شود.

ثالثاً، نزدیکان و خویشاوندان و دوستان دیرین شهید و اهل محل امکان می یابند که از نورانیت یادگاران شهید و فیض خدمت به آنان بهره مند شوند و بدینوسیله یاد شهید و فرهنگ شهادت را در دل و جان خویش زنده نگهداشته و به پاداش عظیم الهی نایل گردند.

لذا انجام وظایف مربوط به بنیاد شهید، در زمینه های مختلف به خصوص خدمات مسکن، ازدواج، مشاوره و مددکاری و... باید به گونه ای سامان یابد که خانواده را از نزدیکان و محارم شان منفصل نسازد و خویشاوندان دلسوز و دارای درایت را از احساس مسئولیت نسبت به یادگاران شهیدشان منصرف نسازد و همواره باید توجه داشت که در شرایط عادی، هیچگاه سیستم اداری و کارمندی نمی تواند جای روابط طبیعی و دلسوزانه محارم را پر کند.

کتمان در ارائه خدمات معیشتی

در سیره و سنت پیشوایان دینی و ائمه معصومین (علیهم السلام) نقل شده است که همواره در ارائه خدمات معیشتی به مستمندان با استفاده از تاریکی و ساعات خلوت شب آن هم با چهره ناشناس و پوشیده، آنچنان خدمتگزاری را پوشیده و مکتوم بجا می آوردند که نه دریافت کننده خدمت آنان را می شناخت و نه مردم مطلع می شدند! این شیوه عمل علاوه بر نقشی که در اخلاص خدمتگزار می تواند داشته باشد، حفظ حرمت و آبروی خدمت گیرنده را نیز تضمین می کند و برای انسانهای عفیف و آبرومندی که نمی خواهند تنگدستی آنان در جامعه افشاء شود، اهمیت بسیاری دارد.

حال اگر کتمان خدمات معیشتی در مورد مستمندان مطلوب باشد به طریق اولی انجام تکلیف قطعی و قانونی ارائه خدمات معیشتی در مورد افراد ذی حقی که ولی نعمت و مخدوم نظام هستند مطلوب تر است و حداقل عدم اعلام و تبلیغ و به رُخ نکشیدن خدماتی که در

برابر عظمت مقام و منزلت شهید و اهل بیت شهید بسیار ناچیز است، بسی لازم و ضروری است.

به علاوه کتمان اقدامات رفاهی و معیشتی و اجتناب از اعلام و تبلیغ رسمی آن از وسائل ارتباط جمعی می تواند در حفظ و تعمیق فرهنگ قناعت و جلوگیری از رشد توقعات مادی و مصونیت مخدومین از سرزنش بدخواهان و تنگ نظرانی که می خواهند مقام آسمانی اینثارگران را به دنیای مادی تنزل دهند، مؤثر باشد.

نیاز به یادآوری است که این سیاست فقط شامل امور معیشتی است ولی در زمینه موفقیت‌های فرهنگی، علمی و دستاوردهای معنوی خاندان بزرگ شهیدان لازم است با استفاده از تمام ظرفیت های تبلیغی اطلاع رسانی به عمل آید.

گسترش و استمرار دیدار از خانواده ها

بر اساس آنچه در بخش چگونگی ارائه خدمات درباره حالت مطلوب متعالی (حالت اول) و حالت مطلوب (حالت ۳) توضیح داده شد و در راستای منتفی ساختن زمینه حالت نامطلوب (حالت ۴) سیاست مراجعه بنیاد شهید به خانواده ها به جای مراجعه ایشان به بنیاد شهید مدنظر قرار گرفته و علاوه بر تلاش در جهت قانونمندی و رعایت عدالت و اولویت های منطقی و... که هر کدام به نوبه خود زمینه مراجعات مکرر خانواده ها به سیستم اداری را کاهش می دهند موضوع مراجعه کارکنان بنیاد شهید به منازل خانواده شهدا و دیدار مستمر از ایشان به طور جدی در دستور کار بنیاد شهید قرار گرفته است.

در این راستا با توجه به این که بخش عظیمی از اعضاء خانواده های شاهد را همسران و دختران تشکیل می دهند و ضرورت رعایت جوانب شرعی و اخلاقی و فراهم شدن زمینه مساعدتر و سالم تر در برقراری ارتباط مناسب، ایجاب می نماید که موضوع مددکاری و مددکاران زن برای مراجعه و سرکشی از همسران و دختران شاهد مورد توجه ویژه قرار گیرد. اما در ارتباط

با والدین محترم شهدا دیدارها منحصر به مددکاران نمی باشد و تمام کارکنان بنیاد بخصوص مسئولان را شامل شده و در این قلمرو بنیاد شهید همراهی سایر مسئولان نظام را به انحاء مختلف فراخوانده است. (۵۳)

اجرای مجموعه این طرح، که همچنان در حال تکمیل و تکامل است، کم و بیش نتایج خوبی را در پی داشته است و با استمرار و گسترش این برنامه، انتظار می رود که:

- رابطه مطلوبتری بین خانواده ها و بنیاد برقرار شود.
- خانواده ها در منزل خویش و در فضائی صمیمانه تر حرف دلشان را بازگو کنند.

- پاسخها و احياناً تبیین و توجیه واقعیتهای آنها را بهتر پذیرا باشند.
اطلاع بنیاد به بطور مستمر و فراگیر نسبت به تمام خانوادهها حاصل شود.

- امکان پیشگیری نسبت به برخی مواردومشکلات احتمالی فراهم شود.

- احترام و رضامندی متقابل بین خانواده و بنیاد برقرار شود.
- زمینه سوءتفاهم های احتمالی بین طرفین کاهش یابد.
- منزلت اجتماعی خانواده ها نزد مردم و اهل محل بخصوص آنگاه که مسئولان بلندپایه نظام، بنیاد را در این کار ارزشمند همراهی کنند، مورد توجه بیشتر قرار گیرد. (۵۴)

رعایت اولویت ها

در هر کاری لازم است قبل از هر چیز، امور مهم و اهم شناخته شود و حتی الامکان، مسائل اهم در اولویت قرار گیرد. تقدم امور اهم بر امور مهم يك حکم عقلی است و منابع دینی نیز بر آن تأکید دارد. حضرت امیر (ع) در يك دستور العمل مدیریتی مهم، ضمن اشاره به اصلی و فرعی کردن امور، پرداختن به امور فرعی را، هر چند مهم باشد، قرین از دست دادن امور اصلی (اهم) دانسته و آن را از جمله

دلایل و نشانه های واژگونی دولت ها و ناکامی و شکست در مدیریت قلمداد کرده است. (۵۵)

همچنین آن حضرت با این نگرش که انجام و اجرای مطلوب هر کاری «متفرع» بر برنامه ریزی و تدبیر شایسته است، تدبیر قبل از اجرا را بیمه کننده از ناکامی و پشیمانی دانسته است. (۵۶) در عین حال در خود برنامه ریزی نیز رعایت اهم و مهم و اصلی و فرعی کردن امور يك ضرورت قطعی برای رسیدن به برنامه ریزی مطلوب و تدبیر شایسته است. باز حضرت علی (علیه السلام) در این باره هشدار داده است که هر که برنامه ریزی و تدبیرش بد باشد به واژگونی خویش شتاب بخشیده است. (۵۷)

نتیجه آن که اولاً باید امور را اهم و مهم و اصلی و فرعی کرد، ثانیاً بر همین اساس برنامه ریزی و تدبیر در هر کار مقدم بر اجرای آن است. ثالثاً تدبیر آنگاه شایسته و مطلوب است که در موضوع آن رعایت اصل تقدم اهم بر مهم ملحوظ شده باشد و در حقیقت، پرداختن به آن موضوع از اولویت لازم برخوردار باشد. بر اساس این نگرش، بنیاد شهید همانگونه که در بحث قانونمندی اشاره شد، ابتدا متناسب با رسالت این نهاد به تبیین اهداف، سیاست ها و راهبردها پرداخته و سپس اولویت ها را مشخص و آنگاه برنامه ریزیهای لازم را به عمل آورده است. علاوه بر اولویت های فرهنگی، در قلمرو امور معیشتی نیز، اموری که از اولویت و اهمیت بیشتری در زندگی خانواده ها برخوردار است و از سویی بر روی مسائل فرهنگی می تواند تأثیر داشته باشد در صدر فعالیت های بنیاد شهید قرار گرفته است.

ضمائم
فرمان حضرت امام خمینی (ره) برای تأسیس بنیاد شهید انقلاب
اسلامی
۲۲ اسفند ماه ۵۸

بسم اله الرحمن الرحيم

جناب حجة الاسلام آقای حاج شیخ مهدی کروی ایده الله تعالی
ملت شریف ایران می دانند که نهضت اسلامی و پیروزی انقلاب
اسلامی مرهون فداکاری قشرهای مختلف ملت است که در صف اول
باید شهداء انقلاب رحمة الله عليهم و کسانی که در این راه معلول و
آسیب دیده شده اند محسوب داشت لهذا باید رسیدگی کامل به خاندان
شهدا و به آسیب دیدگان و معلولین در این راه چه در حال انقلاب و
چه قبل و بعد آن به نحو احسن و با مراعات احترام آنان بشود لهذا
لازم است سازمانی به سرپرستی جنابعالی و هیئتی از معتمدین
متدین و آگاه و آشنای بدین گونه امور برای این مقصد مهم تأسیس
شود که با اجراء طرحهای مفید آن ملت و دولت انقلابی دین خود را
در مقابل این گروه فداکار در راه انقلاب اسلامی ادا نمایند. شورای
انقلاب موظف است برای این مشروع مهم بودجه کافی تصویب نماید
و در اجراء آن سرعت عمل بخرج دهد و دولت و متصدیان امور
موظف هستند مواد زیر را مورد تصویب و اجراء سریع قرار
دهند.

۱ - اولویت فرهنگی یعنی در مدارس و دانشگاه با تسهیلات مقتضی
وارد شوند.

۲ - اولویت اقتصادی یعنی مسکن، زمین، وسائل زندگی و سایر
مایحتاج زندگی برای آنان تهیه گردد.

۳ - اولویت در استخدام - یعنی خانواده شهدا و معلولین در استخدام
دولت اولویت داشته و آنان که قدرت خدمت دارند به استخدام دولت

در آيند.

۴ - کارت مجاني براي سوار شدن آنان در اتوبوسهاي دولتي داخل شهرها تهيه گردد.

۵ - کارت نيم بها براي استفاده از وسائل نقليه بين شهري مثل قطار و هواپيما و غيره.

۶ - تشكيل دفترچه مخصوص براي قدرت خريد از تعاونيهاي دولتي.

۷ - بيمه درماني و استفاده از کارت ويژه خريد دارو.

۸ - قراردادن حقوق رسمي براي معلولين كه قدرت كار ندارند و خانواده شهدا بالانسبته به افراد آن خانواده.

۹ - ايجاد برنامه اي در راديو به عنوان معلولين و خانواده شهدا.

۱۰ - سازمان موظف است بدون فوت وقت معلولين و آسيب ديديگاني كه احتياج به معالجه دارند تحت علاج قرار دهد و در صورتي كه با تصديق طبيب لازم است براي معالجه به خارج کشور بروند اسباب مسافرت و مخارج معالجه آنان را فراهم نمايد. ضمناً متذکر می شود كه اگر سازمان در موارد مرقومه به اشكالي برخورد نمود و يا از طرف بعضی متصديان اهمالی شد اينجانب را مطلع نمايند تا در رفع آن بطور مقتضي عمل نمايم.

روح الله الموسوي الخميني

اصل سند شماره ۱ بصورت يك دوم

فرمان حضرت امام خميني (ره) براي رسيدگي به امور

فرهنگي فرزندان شاهد

«طرح شاهد»

جناب حجة الاسلام آقای حاج شيخ مهدي كروبي «دامت افاضاته»

ضمن تشكر از زحمات جنابعالي كه مسئوليت ارزشمند سرپرستي خانواده معظم شهدا، مفقودين، اسراء، معلولين را به عهده گرفته ايد. لازم می دانم در امور فرهنگي فرزندان عزيزم اين يادگاران شهيدان

و معلولين و مفقودين و اسراء دقت بيشتتر نموده و آنان را از كودكستان تا دانشگاه به بهترين وجه اداره نماييد، از آنجا كه جامعه اسلامي، استقلال و آزادي و جمهوري اسلامي خويش را مديون ايتارهاي غيرقابل ترسيم اين عزيزان مي داند هر چه سريعتر با وزيران آموزش و پرورش و فرهنگ و آموزش عالي طرحي را تنظيم نموده و به شوراي عالي انقلاب فرهنگي تقديم نماييد. اعضا محترم اين شورا خود توجه دارند كه بزرگترين و خداپسندانه ترين ارزش اسلامي خدمت به فرزندان اين عزيزان است، بنياد مستضعفان موظف است تمامي بودجه اين كار عظيم را به عهده گيرد و در صورت كمبود، دولت، بنياد شهيد و بنياد پانزده خرداد اقدام لازم را بنمايند. اينجانب از حوزه هاي علميه تقاضا دارم تا در صورت درخواست ورود بدان حوزه ها آنان را ياري و بطورشايسته تعليم و تربيت نمايند، صدا و سيمای جمهوري اسلامي برنامه هايي را در زمينه رشد استعداد و خلاقيت اين فرزندان معظم تدوين نمايند. انشاءاله مردم شهيدپرورمان نيز تا آنجا كه مقدورشان هست بدین كار الهی کمک نمايند نورچشمان عزيزم توجه خواهند داشت اکنون كه رسالت بزرگ پدران بزرگوار خود را به دوش مي كشند در راه تهذيب و تحصيل خود با الهام از روح پير فتوح سربازان امام زمان ارواحنا فداه تلاش وافر نمايند تا با كسب دانشو معنويت اسلامي امور جامعه خویش را بدست گيرند والسلام عليكم ورحمة الله

۶ فروردین ماه / ۶۵ برابر با ۱۵ رجب / ۱۴۰۶

روح الله الموسوي الخميني

سند شماره ۲ بصورت يك دوم

پيام حضرت امام خميني (ره) به فرزندان شاهد

بسم اله الرحمن الرحيم

نور چشمان عزيزم

فرزندان محترم شهدا، جانبازان، اسراء و مفقودين ايديهم الله تعالى

پیام شما را شنیدم من به شما سلام و درود می فرستم و بوجود شما مباحثات و افتخار می کنم و چه افتخاری بالاتر از اینکه ما در تداوم انقلابمان ذخیره های عظیمی همچون شما عزیزان را داریم که حضورتان در جامعه در تمامی صحنه های اسلامی و انقلابی و مردم یادآور رشادت ها و فداکاری ها و اخلاص رادمردانی است که به برکت خونهای پاک آنان انقلاب و جمهوری اسلامی ایران بارور گردید و با شهادت و ایثار و جانبازی و اسارت آنان از پانزدهم خرداد تاکنون بر تارک نهضتمان نام مجدد آزادی، شرف پایدار ماند. شما گواهان صادق و یادگاران عزمها و اراده های استوار و آهنین نمونه ترین بندگان مخلص حقید که مراتب انقیاد و تعبد خویش را به درگاه اقدس حق تعالی با نثار خون و جان به اثبات رسانیدند و در میدان جهاد اکبر با نفس و جهاد اصغر با خصم، واقعیت پیروزی خون بر شمشیر و غلبه اراده انسان را بر شیطان مجسم کردند و سرمایه جان خویشتن را به بهای اندک نفروختند و ملعبه زخارف زودگذر دنیا و متعلقات آن نشدند و با همتی بلند به سودا و معامله ای برخاستند که خدا مشتری جان آنان شد و اجر و مزدشان را بیدریغ در نزد خود قرار داد و حیاتشان را جاودانه ساخت که این منتهی آرزوی عاشقان و مشتاقان و غایت عمل و آمال عارفان است که «یالیتنا کُنا معهم» و گوارا باد بر این شهیدان لذت انس و هم جواریشان با انبیاء عظام و اولیاء گرام و شهدای صدر اسلام و گوارا تر بر آنان باد نعمت رضایت حق که «رضوانٌ من الله اکبر» و اینک ما و شما مانده ایم که وارث آن رسالتیم و حامل آن امانت، عزیزانم من شما را دوست داشته و همچون فرزندان خود می دانم و همیشه شما را دعا می کنم و با نصیحتی مشفقانه و پدرانیه از شما فرزندان خوب و با وفای خود می خواهم که بار امانت پدرانتان را که میراث عزت و راه و رسم زندگی آنان بوده است بخوبی بر دوش کشید و تقوا و پاکی و پاکدامنی را پیشه کنید و نظم در زندگی و تمامی مراحل آن حکمفرما سازید و با جدیت به تحصیل

علوم و كسب معارف و بهرهوري از استعدادهاي الهي خود بپردازيد و هيچگاه سلاح مبارزه با ظلم و استكبار و استضعاف را بر زمين نگذاريد و دوستي با دوستان خدا و دشمني با دشمنان خدا را شعار خود سازيد و خود را از مردم پا برهنه و مستضعف و بي پناهي كه تمامي عزت ما رهيمن منت و خدمت آنان است و شهيدان و جانبازان و اسراء و مفقودين نيز از همين قشرند دور نسازيد و مؤگداً از شما فرزندان شهدا مي خواهيم كه با مادران داغديده خود به عطوفت و مهرباني رفتار كنيد كه «الجنة تحت اقدام الأمهات» و آخرين سختم در اينجا با شما اينكه به جمهوري اسلامي كه ثمره خون پدرانتان است تا پاي جان وفادار بمانيد و با آمادگي خود و صدور انقلاب و ابلاغ پيام خون شهيدان زمينه را براي قيام منجي عالم و خاتم، الاوصياء و مفخر الاولياء حضرت بقيه الله روي فداه فراهم سازيد و به مسئولين محترم جمهوري اسلامي ايران براي چندمين بار سفارش مي كنم و اين نصيحت و سفارش هميشگي است كه قدر اين نعمتهاي بزرگ الهي را بدانند و در شرائط كنوني و آينده هاي دور اولويت را به اين عزيزان و كساني بدهند كه در راه اسلام خون داده اند و مبارزه کرده اند و به شدت از بهانه جوئی و سنگ اندازی و مانع تراشی و كاغذبازی كه مانع رشد آنان و ملت و مردم دلاور ايران است خودداري ورزند. خداوند به همه ما توفيق خدمت و اخلاص عنایت فرماید و این گوهرهای گرانبها را از كيد و وسوسه های شيطان محافظت كند «ان ربي قرب مجيب» والسلام عليكم و رحمة الله

هشتم اردیبهشت ماه / ۱۳۶۵ برابر با ۱۸ شعبان / ۱۴۰۶

روح الله الموسوی الخمينی

تأكيد حضرت امام خميني (ره) در مورد امور فرهنگي فرزندان شاهد

بسم اله الرحمن الرحيم

جناب حجة الاسلام آقای حاج شیخ مهدی کروی «دامت افاضاته» گزارش مشروح مسائل فرهنگی و تحصیلی فرزندان عزیز شاهد واصل گردید از تلاش مسئولین و صاحب نظرانی که بر این امر مهم اهتمام نموده و در راه بارور شدن و شکوفائی استعدادهای سرشار نونهالان و جوانان برنامه ریزی کرده اند تشکر می نمایم. از اینکه نوشته اید فرزندان عزیز شهداء و مفقودین و جانبازان و اسراء با جدیت و عشق و علاقه درس می خوانند موجب غرور و شادمانی است سلام گرم و محبت خالصانه ام را به این سرمایه های گرانبهای انقلاب این یادگاران معلمین جاوید دانشگاه عشق و شهادت ابلاغ نمایید و از قول من به آنان بگویید که من با تمام وجود به شما عشق می‌ورزم و شما را از دل و جان دوست دارم و علاقه مندم که فرد فرد شما عالم و متخصصی متعهد برای اسلام ناب محمدی صلی الله علیه و آله و سلم و مبارزی سرسخت علیه اسلام آمریکائی و مرفهین و پرچمدار وفاداری برای ایثارگران و شهیدان خود باشید و بتوانید با چراغ علم و عمل و تقوی ظلمت نفاق و کج فکری ها و تخررها و مقدس مآبیها را از دامن اسلام بزدانید. کارنامه نورانی شهادت و جانبازی عزیزان شما گواه صادقی بر کسب بالاترین امتیازات و مدارج تحصیل معنوی آنان است که با مهر رضایت خدا امضاء شده است و اما کارنامه شما در گرو تلاش و مجاهدت شما است. زندگی در دنیای امروز زندگی در مدرسه اراده است و سعادت و شقاوت هر انسانی به اراده همان انسان رقم می خورد. اگر بخواهید عزیز و سربلند باشید باید از سرمایه های عمر و استعدادهای جوانی استفاده کنید با اراده و عزم راسخ خود به طرف علم و عمل و کسب دانش و بینش حرکت نمایید که زندگی زیرچتر علم و آگاهی آنقدر شیرین و انس با کتاب و قلم و اندوخته ها آنقدر خاطره آفرین و پایدار است که همه تلخی ها و ناکامیهای دیگر را از یاد می برد. بشریت با همه پیشرفتهایش در علوم و فنون هنوز

در گهواره طفولیت دانش است و تار سیدن به بلوغ کامل راه طولانی در پیش است. امیدوارم ملتهای اسلامی و ملت بزرگ ایران با يك تحرك فرهنگی گسترده بتوانند مسلمانان را از فقر و تنگنای علمی در آورند توصیه مجدد و اکید من به همه دست اندرکاران و مسئولین کشور این است که بیشتر از گذشته به امور فرهنگی این عزیزان توجه نمایند. من هدیه ای جز دعای خیر برای فرزندان شاهدان همیشه تاریخ خصوصاً آنهایی که در تحصیل جزء شاگردان ممتاز شناخته شده اند ندارم. امیدوارم خداوند عطش علم آموزی را در آنان زیاد و سینه هاشان را دریای معارف خود گرداند و تعهد عمل را به آنان کرامت نماید.

و السلام علیکم و رحمة الله به تاریخ ۲۸ شهریور ماه ۱۳۶۷

روح الله الموسوی الخمینی

سند شماره ۴ بصورت يك دوم

توصیه حضرت امام خمینی(ره) به مردم و علما برای دیدار از خانواده شهدا

بسم الله الرحمن الرحيم

خدمت حضرات علماء اعلام و حجج اسلام سراسر کشور دامت برکاتهم و سایر برادران و خواهران ایمانی میهن عزیز دامت تأییداتهم پس از اهداء سلام و تحیت خالصانه در این وضع فعلی کشور که قوای مسلح ایران در مرزها با خلوص نیت و قلب سرشار از محبت به اسلام و کشور اسلامی به جنگ دفاعی با دشمنان اسلام که آمریکا در راس آنها و امثال صدام تبه کار به پیروی از شیطان بزرگ به کشور اسلامی هجوم آورده اند بپاخاسته و با فداکاری بی نظیر از کشور قرآن دفاع می نمایند بر همه ملت خصوصاً علماء اعلام لازم است از بازماندگان شهیدان دیدن نموده و با عواطف

اسلامی خود در خدمت آنان کوشا باشند و از کمکهای معنوی و عواطف روحی دریغ ننمایند اینجانب مراتب احترام خود را تقدیم بازماندگان محترم شهدائی که در راه هدف الهی خود را فدا و دین خود را در پیشگاه ربوبیت ادا نموده اند می نمایم و از خداوند تعالی رحمت و اسعه برای شهداء و عزت و سلامت برای بازماندگان عزیز مسئلت می نمایم و مراتب شکرگزاری خود را تقدیم می کنم. امید است انشاءالله تعالی عواطف گرم ملت و علماء عظیم الشان اسلام بر قلوب سرشار از افتخار جریحه دار آنان تسکین بخشد. والسلام علیکم و رحمة الله... و برکاته

روح الله الموسوی الخمینی

سند شماره ۵ بصورت یک دوم

پیام حضرت امام خمینی (ره) در تجلیل از شهدا و ایثارگران

بسم الله الرحمن الرحيم

شهادت در راه خداوند چیزی نیست که بتوان آن را با سنجشهای بشری و انگیزه های عادی ارزیابی کرد و شهید در راه حق و هدف الهی را نتوان با دیدگاه امکانی به مقام والای آن پی برد. که ارزش عظیم آن معیاری الهی و مقام والای این دیدی ربوبی لازم دارد و نه تنها دست ما خاك نشینان از آن و این کوتاه است که افلاکیان نیز از راه یافتن به کنه آن عاجزند چه که آنها از مختصات انسان کامل است و ملکوتیان با آن مقام اسرارایش فاصله ها دارند قلم اینجا رسید و سر بشکست، و ما بازماندگان و عقب افتادگان در آرزوی آن و این باید روزشماری کنیم و حسرت شهادت و شهید و شهیدپروران اینچنانی را که با ایثار ثمره حیات خود عاشقانه به این شهیدان شاهد افتخار می کنند بگور بریم و از شجاعتهای بی نظیر شهیدان و دوستان اسیر و مفقودشان و آسیب دیدگان و اشتیاق زائدالوصف اینان برای بازگشت به میدان شهادت احساس خجلت و حقارت کنیم زنان و

مردان و کودکان نمونه ای که در زیر بمباران ها و از بستر بیمارستان ها سرود شهادت سر می دهند و با دست و پای قطع شده بازگشت به جبهه ای انسان ساز را آرزو می کنند فوق آنچه ما تصور می کنیم و فلاسفه و عرفا به رشته تحریر درمی آورند و هنرمندان و نقاشان عرضه می کنند می باشد آنچه آنان با قدمهای علمی و استدلالی و عرفانی یافته اند اینان با قدم عینی به آن رسیده اند و آنچه آنان در لابلای کتاب ها و صحیفه ها جستجو کرده اند اینان در میدان خون و شهادت در راه حق یافته اند بارها ما را به خدمتگزاری در راه آنان و برای هدف بزرگشان توفیق ده و شهدا عزیزمان را در خوان ضیافت معنوی خود از جلوه های خاص خویش ارزانی بخش و خاندان بزرگوار آنان را با صبر و اجر قرین فرما و آسیب دیدگان عزیز ما را شفا مرحمت نما و اسیران و مفقودان معظم را هر چه زودتر به آغوش ملت عظیم الشان برگردان و به پدران و مادران و همسران آنان شکیبائی و پایداری عنایت فرما. و از برکات حضرت بقیة الله ارواحنا فداه همه آنان و ملت را نصیب وافر مرحمت فرما.

روح الله الموسوی الخمينی
سند شماره ۶ بصورت يك دوم

فهرست منابع

قرآن مجید
تفه الاسلام کلینی، اصول کافی، چاپ اول، ۱۳۶۰، بیروت،
دارالتعارف
مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، چاپ اول، ۱۳۶۱، بیروت، موسسه
الوفاء
روابط عمومی بنياد شهيد، حسنه جاريه امام، چاپ اول، ۱۳۷۸،

تهران، بنياد شهيد
ابن شعبه بحراني، تحف العقول عن آل الرسول، چاپ اول، ۱۳۶۲،
تهران، اسلاميه
امام خميني، تعليقات على فصوص الحكم، چاپ اول، ۱۴۰۶ هـ، ق،
قم، مؤسسه پاسدار اسلام
ابن ابى الحديد، شرح نهج البلاغه، چاپ دوم، ۱۳۶۱، بيروت،
دار احياء التراث العربى
امام بخارى، صحيح بخارى، چاپ دوم، ۱۳۶۰، بيروت، دار احياء
التراث العربى
امام خميني، صحيفه امام، چاپ اول، ۱۳۷۸، تهران، مؤسسه تنظيم
و نشر آثار امام خميني
آمدى عبدالواحد محمد، غرر الحكم، چاپ اول، ۱۳۷۸، قم، مركز
الابحاث و الدراسات الاسلاميه
امام خميني، كلمات قصار، چاپ چهارم، ۱۳۷۶، تهران، مؤسسه
تنظيم و نشر آثار امام خميني
علامه على المتقى الهندى، كنز العمال، چاپ اول، ۱۳۶۰، بيروت،
مؤسسه الرساله
ابن منظور، لسان العرب، چاپ اول، ۱۳۶۰، بيروت، احياء التراث
العربى
شيخ عباس قمى، مفاتيح الجنان، چاپ اول، ۱۳۷۷ تهران، دفتر نشر
اسلامى
سيدرضى، نهج البلاغه، چاپ اول، ۱۳۷۸، قم، مؤسسه امير المومنين
(ع)
عاملى شيخ حر، وسايل الشيعه، چاپ اول، ۱۳۶۱، بيروت، احياء
التراث العربى

فهرست آیات

آیات بخش اول
حج / ۶۲ ... ۹
کهف / ۲۹ ... ۹
حجر / ۸۵ ... ۹
مؤمنون / ۱۱۵ ... ۹
قیامه / ۳۶ ... ۱۰
ذاریات / ۵۶ ... ۱۰
بینه / ۵ ... ۱۰
روم / ۳۰ ... ۱۰
حج / ۶۴ ... ۱۰
فاطر / ۱۵ ... ۱۰
ابراهیم / ۸ ... ۱۰
عنکبوت / ۶ ... ۱۰
نحل / ۳۶ ... ۱۱
شعرا / ۱۰۹ ... ۱۱
یس / ۲۱ ... ۱۱
شوری / ۲۳ ... ۱۱
شعرا / ۲۱۵ ... ۱۲
توبه / ۱۲۸ ... ۱۲
کهف / ۶ ... ۱۲
انبیاء / ۱۰۷ ... ۱۴
توبه / ۱۰۵ ... ۱۵
عنکبوت / ۴۵ ... ۱۵
بقره / ۱۸۳ - ۱۸۴ ... ۱۵
توبه / ۱۰۳ ... ۱۵
آل عمران / ۹۶ ... ۱۵

حج / ۲۸... ۱۵
بقره / ۱۷۹... ۱۵
صف / ۱۲- ۱۰... ۱۶
نسا / ۹۵... ۱۷

آیات بخش دوم

بقره / ۱۵۴... ۲۰
آل عمران / ۱۶۹... ۲۱
هود / ۴۶... ۲۴
اسراء / ۹... ۲۵
جمعه / ۲... ۲۵
مائده / ۳... ۲۵
اعراف / ۱۴۳... ۲۷

آیات بخش سوم

ذاریات / ۵۶... ۴۲
بینه / ۵... ۴۲
العصر / ۲... ۴۲
انعام / ۱۶۲... ۴۳
مؤمنون / ۶۱... ۴۴
حدید / ۲۱... ۴۴
آل عمران / ۱۳۳... ۴۴
اعراف / ۱۶... ۴۷
بقره / ۲۷۳... ۵۶

آیات بخش چهارم

بقره / ۲۷۳... ۵۶

فهرست روايات

روايات بخش اول

- کنز العمال، حديث ۵۸۱۸ ... ۱۳
کنز العمال، حديث ۵۲۱۷ ... ۱۴
وسايل الشيعه، ج ۱۱، ص ۴۰۳ ... ۱۵

روايات بخش دوم

- وسايل الشيعه، ج ۱۱، ص ۱۰، حديث ۲۱ ... ۱۹
بحار الانوار، ج ۶۷، ص ۸، حديث ۴ ... ۱۹
صحيح بخارى، ج ۴، ص ۲۱ ... ۲۰
نهج البلاغه، خطبه ۲۳ ... ۲۰
شرح نهج البلاغه ابن ابى الحديد، ج ۶، ص ۱۰۰ ... ۲۰
شرح نهج البلاغه ابن ابى الحديد، ج ۳، ص ۱۸۳ ... ۲۳
وسايل الشيعه، ج ۱۱، ص ۸، حديث ۱۱ ... ۲۳
بحار الانوار، ج ۶۶، ص ۳۹۳، حديث ۷۵ ... ۲۳
بحار الانوار، ج ۹۷، ص ۱۴، حديث ۲۴ ... ۲۳
کنز العمال، ج ۴، ص ۴۰۱، حديث ۱۱۱۱۹ ... ۲۳
وسايل الشيعه، ج ۱۱، باب ۱، حديث ۲۰ ... ۲۶

روايات بخش سوم

- بحار الانوار، ج ۲، ص ۱۵۹ ... ۴۳
بحار الانوار، ج ۷۰، ص ۱۹۱ ... ۴۴
نهج البلاغه ...
مستدرک نهج البلاغه، ص ۱۱۱ ... ۴۵

روايات بخش چهارم

المستدرک، ج ۱، ص ۵۴۴... ۵۱
کافی، ج ۲، ص ۱۴۸... ۵۱
وسایل الشیعه، باب ۲۵، حدیث ۳۶... ۵۳
غرر الحکم و درر الکلم، ذیل حرف غ... ۵۸
اصول کافی، ج ۲، ص ۱۴۹... ۵۸
غرر الحکم ۷۰...
غرر الحکم ۷۰...
غرر الحکم و درر الکلم، ذیل حرف م... ۷۰

بقره / ۱۵۴ .

آل عمران / ۱۶۹ .

صحیفه امام، ج ۲۰، ص ۱۰۱، ۶۵/۵/۲۰ .

همان، ج ۱۸، ص ۳۲۵، ۶۲/۱۱/۱۹ .

صحیفه امام، ج ۲۱، ص ۱۴۷، ۶۷/۷/۱ .

شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج ۳، ص ۱۸۳ .

وسائل الشیعه، ج ۱۱، ص ۸، حدیث ۱۱ .

بحار الانوار، ج ۶۶، ص ۳۹۳، حدیث ۷۵ .

بحار الانوار، ج ۹۷، ص ۱۴، حدیث ۲۴ .

کنز العمال، ج ۴، ص ۴۰۱، حدیث ۱۱۱۱۹ .

کلمات قصار امام خمینی، صفحه ۴۵، چاپ اول .

هود / ۴۶ .

. اسراء / ۹

. جمعه / ۲

. مائده / ۳

. قال رسول الله (ص) للشهيد سبع خصال من الله: اول قطرة من دمه مغفور له كل ذنب و الثانية يقع راسه في حجر زوجته من الحور العين و تمسحان الغبار عن وجهه و تقولان: مرحباً بك و يقول هو من ذلك لهما و الثالثة يكسى من كسوة الجنة و الرابعة تبتدره خزنة الجنة بكل ريح طيبة ايهم ياخذه معه و الخامسة ان يرى منزله و السادسة يقال لروحه: اسرح في الجنة حيث شئت و السابعة ان ينظر في وجه الله و انه لراحة لكل نبي و شهيد. وسائل الشيعه، ج ۱۱، باب ۱، حديث ۲۰

. اعراف / ۱۴۳

. صحيفه امام، ج ۱۳، صص ۵۱۵ - ۵۱۳، ۱۳۵۹/۱۰/۲۰،

. صحيفه امام، جلد ۱۷، صفحه ۹۵، ۱۳۶۱/۸/۲۵،

. تعبيرى است كه مقام معظم رهبرى «مدظله» در حكم مورخ ۷۱/۸/۹ به نماينده خود در اين بنياد به آن تصريح کرده اند.

. اصل اين وظايف از احكام و دستورات امام راحل و مقام معظم رهبرى، اتخاذ شده است كه با اندكى تلخيص و ادغام برخى موارد در قالب متناسب با ادبيات قانونگذارى، در قانون اساسنامه بنياد شهيد انقلاب اسلامى مصوب مجلس شورى اسلامى در تاريخ ۷۷/۲/۲۷ ذكر شده است.

. صحيفه امام، جلد ۲۱، صفحه ۹۳ - ۹۲، ۱۳۶۷/۴/۲۹،

. تمام جملات و كلماتى كه در گيومه آمده است عين جملات و كلمات امام راحل در مورد امور آموزشى و فرهنگى فرزندان شاهداست كه در پيام مورخ ۶۵/۲/۸ مندرج در صحيفه امام، ج ۲۰،

صص ۳۸ - ۳۷ و نامه مورخ ۶۷/۶/۲۸ مندرج در صحيفه امام، ج ۲۱، صص ۱۳۸ - ۱۳۷ آمده و تصاویر آن در پایان کتاب ارائه شده است.

. و ما خلقت الجن و الانس الا ليعبدون (ذاریات / ۵۶)

. و ما أمروا الا ليعبدوا الله (بینه / ۵)

. ان الانسان لفي خسر (العصر / ۲)

. انعام / ۱۶۲

. الا ليس لانفسكم ثمن الا الجنة فلا تتبعوها بغيرها (تحف العقول ص ۳۹۱)

. اذا كان الثواب من الله فالكسل لماذا؟ امام صادق عليه السلام، بحار الانوار علامه مجلسی، ج ۲، ص ۱۵۹

. افضل الاعمال احمزها. پیغمبر اکرم «ص»، بحار الانوار، ج ۷۰، ص ۱۹۱

. اولئك يسارعون في الخيرات و هم لها سابقون (مومنون / ۶۱)

. سابقوا الى مغفرة من ربكم....(حديد / ۲۱)

. و سارعوا الى مغفرة من ربكم و جنة عرضها السموات و الارض أعدت للمتقين (آل عمران / ۱۳۳)

. بحار الانوار ج ۶۴ / ۳۱۱

. مستدرك نهج البلاغه، صفحه ۱۱۱.

. قال فيما اغويتني لا فعدن لهم صراطك المستقيم (اعراف / ۱۶)

. تحف العقول / ۹۵

. وسائل الشيعه، ج ۸، ص ۵۴۴

. كافي، ج ۲، ص ۲۳

. المستدرک، ج ۱، ص ۵۴۴

. کافی، ج ۲، ص ۱۴۸

. صائب تبریزی

. وسائل الشیعه، باب ۲۵، حدیث ۳۶

. صحیفه امام، جلد ۲۱، صفحه ۹۳-۹۲، ۱۳۶۷

. هم اکنون در سراسر کشور طبق برنامه زمان بندی شده مسئولین بنیاد شهید به همراه کارکنان و در بسیاری از موارد به همراه ائمه جمعه و نمایندگان ولی فقیه، نمایندگان مجلس، استانداران، فرمانداران و سایر مسئولان استانی و محلی بر اساس چنین دیدگاهی به دیدار خانواده های معظم شاهد می شتابند و موارد ثبت شده طی سالهای ۷۷-۷۲، بالغ بر ۶۰۹/۶۵۶/۲ مورد دیدار در سطح کشور انجام پذیرفته که امید است باتوسعه و تعمیق این برنامه و تحقق دیدار از تمام خانواده های شاهد، تمام مسئولان و مردم بطور مناسب از این نعمت الهی بهره مند شوند.

. بقره / ۲۷۳

. غرر الحکم و درر الکلم، آمدی،

. اصول کافی، ج ۲، ص ۱۴۹

. ماده ۴ قانون مصوب اساسنامه بنیاد شهید.

. مانند معافیت از خدمت سربازی و استفاده از برخی تبصره های بودجه کل کشور و....

. صحیفه امام، جلد ۲۱، صفحه ۱۳۷، ۱۳۶۷/۶/۲۸

. صحیفه امام، جلد ۱۲، صفحه ۴۲۷، ۱۳۵۹/۳/۲۱

. رک: بنیاد شهید حسنه جاریه؛ رؤس برنامه ها و جدول فعالیت ها،

بخش مددکاری، صفحات ۱۵۱ - ۱۴۸

. برخی از این نتایج در تحلیل داده های پژوهش ثابت شده است و عملکرد ۶ ساله مددکاری بنیاد شهید نیز در بخش مددکاری کتاب بنیاد شهید حسنه جاریه امام، صفحه ۱۵۱ ذکر شده است.

. يستدل على ادبار الدول باربعة: تضييع الاصول و التمسك بالفروع و تقديم الاراذل و تاخير الافاضل (غررالحكم)

. التدبير قبل العمل يؤمن الندم (غررالحكم)

. من ساء تدبيره تعجل تدميره (غررالحكم و دررالكلم، آمدی، ذیل حرف «م»)